

دولت احمدی‌نژاد و نهاد روحانیت در ایران

علیرضا ازغندی، محسن پیریایی، هادی نصیری

هرچند روحانیت شیعه به اقتضای رویکرد آرمانی خود، در طول تاریخ همواره از حاکمان و سلاطین با عنوان حکام جور نام برده و مشروعیتی برای حکومت‌های زمان قائل نبوده، اما به اعتراف تاریخ، از زمان به قدرت رسیدن صفویه، قدرت روحانیت شیعه در ایران دوچندان شده و رابطه میان حکومت‌گران و روحانیت شیعه در ایران بسیار جدی‌تر از گذشته مطرح می‌شود. در این دوران به دلیل نزدیکی علمای شیعه با مسائل حکومتی، فقه شیعه از عرصه نظر خارج شده و فقه سیاسی شیعه که ناظر به عرصه عمل حکومت‌داری است به تدریج شکل می‌گیرد و این به معنای درگیری علما با مسائل حکومتی از نزدیک است. به عبارتی روحانیت شیعه این‌گونه تشخیص می‌دهد که برای بقای اندیشه تشیع باید از میان بد و بدتر، همراهی با سلطان را برگزیده و با دوری از شرایط عزلت، پیوند خود را با عرصه‌های حاکمیتی برقرار سازد. این مقاله در قالب جامعه‌شناسی سیاسی و با بهره گرفتن از نظریه نخبه‌گرایی که بر اختلاف گروه نخبگان میان خود بر سر تقسیم قدرت تأکید می‌ورزد، سعی می‌کند رقابت دو گروه مرجع نخبگی سنتی - حوزوی و جدید - اداری، یعنی روحانیت و دیوان‌سالاران نوسید مجریه را مورد بررسی قرار داده و نشان دهد رقابت و چالش این دو گروه درون حاکمیت در سال‌های ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد به تضعیف نهاد روحانیت انجامیده است.

کلید واژگان: جامعه‌شناسی سیاسی، نظریه نخبگان، رفتارشناسی، نخبگان حوزوی

- سنتی، گروه نخبه جدید، احمدی‌نژاد، روحانیت.

دولت احمدی نژاد و نهاد روحانیت در ایران

علیرضا ازغندی*

محسن پیریایی**

هادی نصیری***

دیباچه

بدون شک نهاد روحانیت در سرتاسر تاریخ ایران، یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر زندگی ایرانیان بوده و با ظهور اسلام، این اثرگذاری به بالاترین حد خود رسیده است. از زمان ورود اسلام به ایران، همواره کسانی مسئولیت مستقیم هدایت مذهبی مردم را عهده‌دار بوده و به همین واسطه، از قدرت قابل توجهی در جامعه برخوردار بوده‌اند. این قدرت در برهه‌های تاریخی مختلف، به اشکال گوناگون خود را نشان داده و به نفع یا ضرر حکومت عمل کرده است.

با پیروزی انقلاب ایران در سال ۵۷ روحانیت به معنای واقعی با نهاد قدرت پیوند خورد

* استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
** دانشجوی دکترای علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
*** دانشجوی دکترای روابط بین الملل واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۳/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۰
فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال یازدهم، شماره ۲، پاییز ۱۳۹۳، صص ۱۴۷-۱۱۱.

و به اصلی‌ترین بازیگر در عرصه حاکمیت تبدیل گردید، به نحوی که در تمامی مقاطع زمانی پس از انقلاب، روحانیون اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین پست‌های حکومتی را در اختیار داشته و حتی بر مناصبی که در اختیار غیرروحانیون بوده، نظارت کامل داشته‌اند. دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد را نیز نمی‌توان از این قاعده مستثنی دانست، اما وقایع به گونه‌ای در این دولت شکل گرفت که احساس شد روابط آن با روحانیت متفاوت از دولت‌های گذشته است. به نظر می‌رسد که احمدی‌نژاد به عنوان نماینده گروه نخبگان جدید در ایران، ادامه‌دهنده و البته تسریع‌کننده چالش موجود میان این گروه و سازمان روحانیت در ایران است. بر این اساس، می‌توان پرسش اصلی پژوهش حاضر را اینگونه مطرح کرد که روابط روحانیت با دولت‌های نهم و دهم که محمود احمدی‌نژاد در رأس آنها قرار داشته، چگونه بوده است؟

فرضیه پژوهش هم اینگونه شکل می‌گیرد که با عنایت به تحولات به وجود آمده و مواضع اتخاذ شده از سال ۸۴ به عنوان سال آغاز دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تاکنون، روابط روحانیت و دولت احمدی‌نژاد رو به سردی نهاده و نقش و تأثیرگذاری روحانیون در اداره و اجرای امور حکومتی در دولت‌های نهم و دهم نسبت به گذشته تضعیف شده است. به عبارت دیگر، روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در عمل نوعی رقابت میان گروه نخبه جدید در ایران و نهاد روحانیت به عنوان یک گروه مرجع را شکل داده و رئیس‌جمهور هرچند با ایستارهای ذهنی مذهبی و اعتقادی، اما به عنوان نماینده گروه جدید که خواستار اعمال قدرت در ساختارهای حاکمیتی است، بنابراین در تحقیق مذکور می‌توان «عملکرد دولت محمود احمدی‌نژاد» را به عنوان متغیر مستقل و «میزان اثرگذاری روحانیت بر سیاست‌های اجرایی» را به عنوان متغیر وابسته نیز در نظر گرفت.

۱- چهارچوب نظری

با وجودی که بیش از نیم قرن از تأسیس جامعه‌شناسی سیاسی به مثابه یک حوزه مطالعاتی مهم علوم اجتماعی نمی‌گذرد، شاهد روش‌های مطالعاتی متعددی از سطح تحلیل فردی و گروهی گرفته تا تحلیل ساختار دولت می‌باشیم. حتی در یکی دو دهه اخیر سطح تحلیل جهانی و آثار و بازتاب‌های اقتصادی و فرهنگی ناشی از پدیده جهانی شدن به مهمترین موضوع جامعه‌شناسی تبدیل شده است (۱). بدین خاطر امروزه سطح تحلیل فرد و رفتار فردی

به عنوان واحد اصلی تحلیل زندگی سیاسی و موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی به شمار نمی‌آید. این مقاله اما به دلایل مختلف از جمله به خاطر اینکه جامعه ایران امروز در تمام بخش‌های فرهنگی و اجتماعی با شرایط دوران پیشا مدرن قابل مقایسه است، رفتار بالاترین شخصیت اجرایی کشور، محمود احمدی‌نژاد به عنوان نخبه‌ای که از درون طبقه متوسط جدید ایرانی سر برآورده را در چهارچوب نظریه نخبه‌گرایی مورد بررسی قرار می‌دهد.

چگونگی به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد در ۱۳۸۴ و برخورد و رفتار وی در نوع خود، نسبت به شرایط گذشته و طریقه به قدرت رسیدن رؤسای جمهور قبلی کاملاً متفاوت بوده و آشکارا فصل جدیدی از معادلات قدرت در سیاست ایران را رقم زده است. واقعیتی است انکارناپذیر که به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد پروژه‌ای طراحی شده از سوی الیت‌های قدرت آشکار و پنهان است که می‌کوشند از طریق بسیج توده‌ها، بسته بودن حوزه سیاست و شرایط انسداد قدرت را به نفع خود تغییر دهند و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های پر قدرت منجی‌گرایی و آخرالزمانی و نیز با طرح و تبلیغ مکتب ایرانی به مثابه پشتوانه‌ای ایدئولوژیک به رقابت فکری و اجرایی با گروه نخبه و کانون‌های مرجع سنتی و حاکمیت یکجانبه آنان پرداخته، بر اساس آموزه‌های دولت تحصیلدار به کمک دلارهای نفتی، انبوهی از طرفداران را از میان اقشار حاشیه‌ای سازماندهی نمایند.

در واقع پیروزی احمدی‌نژاد «سرزندی برای تشکیلات جمهوری اسلامی و چالشی برای انقلابیون نسل اول» بود که همه امکانات اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور را در اختیار گرفته بودند (۲). از سوی دیگر، نظام سیاسی ایران با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد با چالش جدیدی روبرو می‌شد. (۳) در واقع جنگ نخبگان در سال‌های اخیر به‌ویژه در خلال تصدی احمدی‌نژاد و یا دولت‌های نهم و دهم شدت یافته است. حضور نخبگان جدید دیوانسالار در صحنه سیاسی و رقابت آنها با گروه‌های مرجع تأثیرگذار از جمله رهبران نسل اول انقلاب بر سر تنازع بقا بوده است و از آنجایی که ناگزیر از بازتعریف منافع و مرزبندی‌های سیاسی و فرهنگی با دیگران بوده‌اند، به تدریج اتهام «کوتاهی و انحراف از اصول» تبدیل به ابزاری در دست گروه‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی جهت متهم کردن یکدیگر شده است. نهایتاً در این جنگ قدرت، گروهی حذف و گروهی دیگر موقتاً به حیات خود ادامه می‌دهد تا شرایطی پیش آید که این گروه هم تبدیل به «دیگری» شود. در حقیقت، تاریخ جنگ نخبگان در ایران، بیشتر، تاریخ جنگ بر سر تأمین منافع جناحی و گروهی است تا

اینکه در جهت حل و فصل موضوعات و مشکلات جامعه باشد.

در جوامع پیشرفته صنعتی با افزایش پیچیدگی ساختار اجتماعی و پیدایش گروه‌های نخبه مختلف، قدرت تمایل به تفرق پیدا کرده است و مبارزه گروه‌ها برای کسب قدرت سیاسی، مبارزه‌ای سازمان‌یافته است، در حالیکه در ایران، رقابت نه آنچنان مبتنی بر عقلانیت است و نه پایه و اساس سازمانی دارد. رفتار احساسی در تعیین رفتار اجتماعی انسان ایرانی نسبت به رفتار محاسبه‌گرایانه و عقلانی برتری دارد. علاوه بر این، برای موفقیت در رقابت سیاسی، هیچ نیازی به سازمان و تشکل نیست. موفقیت هر یک از گروه‌های قدرت، چه سنتی و چه مدرن، تنها مستلزم جلب حمایت و بسیج مردم از طریق تبلیغات و تحریک افکار عمومی است. بدین خاطر برای شناخت و داوری واقع‌بینانه درباره کارکرد گروه‌های نخبه سیاسی در جامعه ایران، نه تعریف نخبه سیاسی از نگاه نظریه پردازان بدبین متقدم مانند ویلفردو پارتو و گائتانو موسکا به طور کامل به کار می‌آید و نه تعریف نظریه‌پردازان خوشبین و دموکرات متأخر مانند تی. بی. باتامور، سی. رایت میلز و رابرت دال، چراکه به هیچ وجه با شرایط ایران سازگاری ندارند. مهمترین ایرادی که از نظر جامعه‌شناسی سیاسی به نظریه‌های الیتسم وارد است، این است که تأثیرپذیری قدرت سیاسی از شرایط اقتصادی را نادیده می‌گیرند و رابطه حکومت با جامعه را نیز بدون آنکه استدلالی درباره آن مطرح شود، نفی می‌کنند (۴). در تعاریف جدید نیز تعریف گروه نخبه، به صورت بی‌طرفانه و بدون توجه به بار سیاسی و ایدئولوژیک آن مطرح می‌شود. در حالی که در جمهوری اسلامی ایران، تمام تصمیمات و فرایندها، مبنای اساس ایدئولوژیک و دینی دارند و نادیده گرفتن این پارامتر، حتی در زندگی عادی انسان ایرانی توجیه ناپذیر است.

در جوامع صنعتی پیشرفته، نظام اجتماعی و سیاسی بر تعدد و تنوع نخبگان و ضرورت نقش‌آفرینی آنها در فرایندهای تصمیم‌گیری و اجرایی تأکید می‌کند، ولی در ایران با یک نظام اجتماعی - سیاسی متفاوت و نظام اقتصادی رانتیر سروکار داریم که بر خلاف جوامع صنعتی، تأثیرگذاری گروه نخبه سیاسی بر رویکردهای اجتماعی و سیاسی جامعه، نتیجه دانش، آگاهی، ذکاوت و تجربه نیست، بلکه چه در عصر مشروطیت و چه اکنون، منشأ اجتماعی و وابستگی به کانون‌های قدرت حداقل به صورت موقتی می‌تواند افراد خاصی را به مقام و شأن نخبگی ارتقاء دهد (۵).

با توجه به مطالب مطرح شده، دیگر نمی‌توان گروه نخبه در ایران را افرادی تلقی کرد که

با برخورداری از امتیازات اکتسابی و یا فطری خود در موقعیت برتری نسبت به سایرین قرار گرفته‌اند و قابلیت به فعل درآوردن این امتیازات را نیز دارا می‌باشند(۶). نخبگان سیاسی فعال در مجریه امروز ایران، حکومت‌کنندگانی را تشکیل می‌دهند که با برخورداری از حمایت کانونهای آشکار و پنهان قدرت و به خاطر در اختیار داشتن سهم نابرابری از توزیع ارزش‌ها و با در اختیار گرفتن موقتی مناصب، امکانات و سازمان‌های سیاسی-اداری بر مردم اعمال قدرت می‌کنند و تا زمانی که از قابلیت بسیج نیروهای مختلف اجتماعی برخوردار باشند و به کانون‌های قدرت وفادار بمانند و تعهد به برخی اصول هویتی که عناصر سازنده خصوصیات سیاسی است، هم از جنبه نظری و هم در عمل نشان دهند، در زمره گروه نخبه سیاسی حاکم قرار خواهند گرفت و از امتیازات آن برخوردار خواهند شد.

۲- رفتارشناسی محمود احمدی‌نژاد

تنوع و دگرگونی در رفتارهای محمود احمدی‌نژاد به اندازه‌ای است که چندان نمی‌توان قائل به وجود نوعی الگوی رفتاری مشخص برای وی بود، اما به نظر می‌رسد توضیحاتی که در ادامه ارائه می‌شود، می‌تواند توجیه‌کننده چرایی عملکردها و رویکردهای وی در حوزه‌های مختلف باشد. اظهارنظرهای متفاوت درباره یک موضوع در زمان‌های مختلف که به نظر می‌رسد متأثر از شخصیت سیاست‌زده محمود احمدی‌نژاد است، حکایت از آن دارد که الگوی حاکم بر رفتار وی، نوعی آرمانگرایی است که بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی خاص طبقه متوسط جدید ایرانی ایجاد می‌شود و البته در برخی موارد کاملاً به نفع تأمین منافع کنار می‌رود و رنگ عملگرایی به خود می‌گیرد. به عنوان نمونه تأکیدهای بسیاری که وی بر مؤلفه‌های مذهبی در سخنان خود دارد، به ناگاه در تناقض با سخنانی که درباره حجاب در جامعه مطرح می‌کند، قرار می‌گیرد(۷). موضع‌گیری‌های متناقض وی درباره ورود به پرونده‌های قضایی مختلف نیز حاکی از آن است که مواضع وی به شدت متأثر از رویکردهای سیاست‌زده او و در نتیجه در مواقعی کاملاً متناقض با یکدیگر است(۸). البته در اینکه احمدی‌نژاد از شخصیتی ایدئولوژیک و در عین حال نوستالوژیک با تأکید بر دوران طلایی اسلامی و با روحیه برتری‌طلب ستیزجویانه برخوردار است، شکی وجود ندارد(۹). به عبارتی، می‌توان برخی منش‌های شخصیتی ثابت را در رفتارهای او تشخیص داد. شاید عمده‌ترین ویژگی شخصیتی احمدی‌نژاد که تأثیر فراوانی بر عملکردهای او داشته است، نوعی نخوت و غرور و تأکید بر صحیح بودن

نظر خود است که در جای جای عملکردها و گفته‌های وی قابل ردیابی است. البته باید به این نکته اشاره کرد که غرور بخشی از شخصیت اکثر ایرانیان است.

سریع‌القلم در کتاب «عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران» به درستی تأکید می‌کند که یکی از مشکلات فرهنگی که اجازه نمی‌دهد به سوی علم برویم، وجود غرور فردی است، یا به بیان دیگر فقدان تواضع لازم در کار علمی و در پذیرش و شناخت علمی. وی تصریح می‌کند که فرهنگ انباشته شده استبدادی در جامعه ما باعث شده است تواضع لازم در کار علمی ضعیف شود؛ غرور فردی بسیار نیرومند است و شرایطی را به وجود می‌آورد که افراد به طرف شناخت جمعی حرکت نکنند. (۱۰)

گراهام فولر هم در کتاب «قبله عالم» از نوعی نخوت فرهنگی و قومی در میان ایرانیان یاد می‌کند که باعث می‌شود ایرانیان خود را از دنیای اطرافشان برتر بدانند. اگرچه نگاه فولر از زاویه روابط ایران با خارجیان مطرح شده، اما بدیهی است که وجود این تکبر فرهنگی نزد ایرانیان که مبتنی بر اتکا به تاریخ ریشه‌دار آنان است، بر خودبرتربینی‌های شخصی و گروهی در داخل نیز تأثیر فراوان داشته است، از دیگر ویژگی‌های احمدی‌نژاد می‌توانیم به روحیه افراطی وی در برخی مسائل اشاره کنیم که گراهام فولر نیز به این نکته در خصوص فرهنگ ایرانیان اشاره کرده است. (۱۱)

در عین حال، از ویژگی‌های بارز نخبگان سیاسی به عنوان مهم‌ترین گروه رسمی نهادی شده در ۱۰۰ سال اخیر ایران، روی هم قرار گرفتن یا مبهم بودن مسؤولیت‌های آنها با دیوانیان بوده است و به نظر می‌رسد ورود طبقه‌ای جدید در قالب دیوانیان به عرصه فعالیت نخبگان سیاسی، خصیصه غرور ایرانی را تشدید کرده است. با دگرگونی‌های اساسی در ساختار طبقاتی و چالش‌های اجتماعی پس از ورود ایران به دوران مدرنیسم، گروه‌های جدیدی وارد جرگه نخبگان حکومتی شدند؛ این نخبگان جدید به خصوص تحصیل‌کردگان و فن‌سالاران با فخرفروشی و جاه‌طلبی خاصی تشریک مساعی مردم در امور را حقیر می‌شمردند و به جای ایجاد امکانات برای مشارکت مردم در پوییش تحولات سیاسی، آزادی آنها را بما به‌کارگیری روش‌های مختلف تبلیغاتی و سانسور، محدود می‌ساختند. غالب بودن الگوهای رفتاری نخبگان سنتی بر رفتار و کردار بازیگران جدید صحنه سیاست، عامل مهمی بود که نخبگان جدید نتوانند منشأ تحول و تحرک سیاسی شوند. (۱۲)

ماروین زونیس هم روحیات و خلیقات دیوانسالاران جدید در ایران را مورد توجه قرار

داده است. زونیس خاطر نشان می‌کند که ایرانیان متجدد طبقه متوسط معتقدند که «آنها هم از نظر اخلاقی و هم روشنفکری از اطرافیان خود برتر هستند» و ادامه می‌دهد: «خودبزرگ بینی در ایران بسیار عادی است و به لحاظ اجتماعی هم یک پدیده بی‌ضرر تلقی می‌شود». زونیس در کتاب «روانشناسی نخبگان سیاسی ایران» تأکید می‌کند چنین نظریات فردی درباره بی‌همتایی که در میان نخبگان سیاسی ایرانی گسترش یافته، در فرایندی تاریخی و به صورتی هماهنگ شکل گرفته است. از جمله عواملی که باعث شده تا ایرانیان بر بی‌همتایی ایران و ایرانی باور داشته باشند، می‌توان به تأکید بر قدرتمندی تاریخی ایرانیان، مؤلفه‌های منحصر به فرد مذهب شیعه به عنوان مذهب یگانه و رسمی ایرانیان و از همه مهمتر، اعتقاد راسخ به توانایی ایران در «غلبه بر غلبه‌کنندگان» اشاره کرد. (۱۳)

محمود احمدی‌نژاد در جریان مناظره با مهدی کروبی پیش از انتخابات سال ۸۸ تأکید می‌کرد که وزرای کابینه همگی کارشناس هستند، اما رئیس‌جمهور باید کارشناس ارشد باشد تا بتواند آنها را هدایت و کنترل کند؛ و اینگونه القا می‌کرد که در تمامی حوزه‌های تخصصی وزارتخانه‌های مختلف، نظر او بر نظر وزرا نیز ارجحیت دارد؛ (۱۴) این سخن دقیقاً اشاره ماروین زونیس به غرور سیاستمداران و بالاخص گروه نخبگان سیاسی جدید ایران را در ذهن تداعی می‌کند. این غرور باعث شده تا بسیاری از حامیان اولیه احمدی‌نژاد، امروز به منتقدان او تبدیل شوند، به عنوان نمونه، پایگاه اینترنتی رجانیوز که زمانی از اصلی‌ترین حامیان وی به شمار می‌آمد و فلسفه شکل‌گیری آن حمایت از جریان احمدی‌نژاد بود، در یادداشتی، علت اصلی انتقادهایش از آنچه اقدامات سؤال‌برانگیز احمدی‌نژاد می‌خواند را غرور وی عنوان کرده است. (۱۵)

جیمز آلن بیل در کتاب «سیاست در ایران: گروه‌ها، طبقات و نوسازی» که رساله دکترای اوست و در سال ۱۹۷۲ منتشر شده است، طبقه متوسط جدید در ایران را به چهار گروه پیروان (The Followers)، مدافعان نظام (The Maneuvers)، تکنوکرات‌ها (The Technocrats) و رادیکال‌ها و براندازان (The Uprooters) تقسیم‌بندی کرده و تأکید می‌کند اعضای طبقه متوسط جدید در ایران زمانی که به قدرت دست می‌یابند از پذیرش مناسبات قدرت سنتی که جامعه ایران را زیر سلطه دارد، روی می‌گردانند.

از دیدگاه وی، گروه نخبه‌ای که از درون طبقه متوسط جدید به قدرت رسیده‌اند، در برابر نظام می‌ایستند یا اینکه نقش نقادی از نظام را دارند. وی تکنوکرات‌ها را به عنوان نیروهای

تجدیدنظر طلب می‌داند، چرا که از آنها با عنوان *Intelligentsia* (روشنفکران) نام می‌برد. جیمز بیل خاطر نشان می‌کند که این گروه نسبت به خود، شناخت زیادی ندارد و از انسجام کمی برخوردار است، (۱۶) هر چند با نگاه به ویژگی‌هایی که او برای این گروه‌ها برمی‌شمارد، چنانچه قدرت در اختیار آنها قرار گیرد، روند مبارزه با ساختارهای سنتی را تسریع خواهند کرد. البته طبیعی است که اعضای این گروه‌ها طیف‌های وسیعی از جمله سنت‌گرا و نوسازی‌خواه، مذهبی و غیرمذهبی، غرب‌ستیز و غرب‌گرا را در بر خواهد گرفت.

محمود احمدی‌نژاد به عنوان یکی از تکنوکرات‌های عضو طبقه متوسط جدید در ایران از روحیاتی که به آنها اشاره شد مبرا نیست و تلاش می‌کند تا دایره نفوذ و قدرت خود را در تقابل با ساختارهای سنتی افزایش دهد، کما اینکه در جریان مناظره تلویزیونی خردادماه ۸۶ با میرحسین موسوی، زمانی که از لزوم تغییر در نوع مدیریت‌های گذشته سخن به میان می‌آورد، سه دولت گذشته را در مقابل خود می‌داند. (۱۷) به عبارت دیگر، ویژگی بارز دیگر احمدی‌نژاد که در سطور پیشین نیز اشاره کوتاهی به آن شد، عملکرد سیاست‌زده اوست. واقعیتی است انکارناپذیر که موفقیت او در انتخابات ۸۴ بدون برخورداری از حمایت‌های گسترده طیف وسیعی از نیروهای اجتماعی و سازمان‌های سیاسی، به ویژه دو گروه جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و آبادگران به عنوان دو گروه فعال درون تشکیلات موسوم به اصولگرایان امکان‌پذیر نبود. (۱۸) از سوی دیگر، دقیقاً احساس می‌شود احمدی‌نژاد در عملکردهای خود تلاش می‌کند تا با بیشینه‌سازی قدرت خود، حرفش را به کرسی نشاند و در مقابل، نظر دیگران را نادرست نشان دهد. این نگاه منشأ تمامی انتقادهایی است که در مورد انتقادپذیری او مطرح می‌شود.

موضوع بی‌اعتنایی به انتقادهای از جانب احمدی‌نژاد در جریان نامه‌ای که اقتصاددانان در خردادماه سال ۸۶ خطاب به وی نوشتند نیز انعکاس یافت. در این نامه که به امضای ۵۵ نفر از اساتید علم اقتصاد در دانشگاه‌های کشور رسیده بود، تصریح شد که «بی‌اعتنایی دولت به نظرات علمی استادان و کارشناسان در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی موجب گردیده است بسیاری از پیش‌بینی‌های بدفرجام صاحب‌نظران تحقق یابد.» (۱۹)

عده‌ای نیز احمدی‌نژاد را به رفتاری دیگر و در نوع خود منحصر به فرد متهم می‌کنند، اینکه احمدی‌نژاد یک تفکر سیال در سیاست خود دارد، احمدی‌نژاد از نظر این گروه ابتدا به پوپولیسم گرایش داشت ولی بعداً از این دید خود فاصله گرفت، از ویژگی‌های پوپولیستی بودن ولی می‌توانیم به سخنرانی‌های وی اشاره کنیم که به نوعی با ساختار شکنی همراه است

و این نوع ادبیات را در اوایل انقلاب‌های آمریکایی لاتین مشاهده کرده ایم، بحثی که هیچگاه به آن توجه نشده بحث فنی بودن احمدی نژاد و علم‌گرایی او باعث ریاضیات است و شرایط سیاسی در نظر گرفته نمی‌شود و رادیکال بودن وی هم شاید از همینجا ناشی می‌شود به نظر بسیاری از کارشناسان افراد فنی و تحصیلکردگان فنی افرادی رادیکال در عرصه سیاست می‌شوند، در سیاست وی در عرصه عملی که احمدی نژاد برای خود تعریف کرده افرادی که در رشته علوم انسانی تحصیل کرده اند جایگاه چندانی ندارند و این از ترس وی از این افراد ناشی می‌شود به هر حال اینکه این نوع رفتارها و جهت‌گیری‌های وی ناشی از خصوصیات ذاتی اوست یا برنامه‌ریزی شده جای بسی تأمل را دارد. (۲۰)

در کل مهم‌ترین نقطه ضعف احمدی نژاد ضعف احمدی نژاد که باعث رویارویی وی با نخبگان و روحانیون طرفدار وی شد عدم انطباق شعارها و رفتار وی بوده است اینکه دولت نتوانست برنامه‌ای برای رسیدن به شعار مهم خود یعنی عدالت‌خواهی پیدا کند. (۲۱)

۳- خرسندی آغازین روحانیت

محمود احمدی نژاد چهارمین فرزند از هفت فرزند خانواده‌ای بود که معیشت آن از مغازه خواروبار فروشی پدر در آرادان سمنان تأمین می‌شد. در زمان طفولیت به همراه خانواده به تهران مهاجرت کرد و همزمان با این مهاجرت، نام خانوادگی او از سبورجیان به احمدی نژاد تغییر یافت و پدر نیز در تهران شغل آهنگری پیشه کرد. پس از ورود به دانشگاه علم و صنعت، به عضویت انجمن اسلامی که مبنای تشکیل دفتر تحکیم وحدت شد، درآمد و گفته می‌شود در جلسه‌ای که برای اشغال سفارت آمریکا تشکیل شده، احمدی نژاد پیشنهاد حمله به سفارت شوروی را نیز به صورت همزمان مطرح کرده است. وی در جریان جنگ ایران و عراق به عضویت سپاه پاسداران نیز درآمد. (۲۲) احمدی نژاد که در دهه ۶۰ به مدت ۴ سال فرمانداری شهرستان‌های خوی و ماکو در استان آذربایجان غربی را بر عهده داشت، در سال ۱۳۷۲ در دولت هاشمی رفسنجانی به عنوان استاندار اردبیل انتخاب شد و تا پایان دولت هاشمی در سال ۷۶ این سمت را عهده‌دار بود و سه بار نیز به عنوان استاندار نمونه کشور انتخاب شد. (۲۳) به نوشته پایگاه اینترنتی فردا، در جریان انتخابات ششم ریاست جمهوری که دور دوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی را در پی داشت، محمود احمدی نژاد زمانی که به عنوان استاندار اردبیل فعالیت می‌کرد، یکی از مسؤولین ستاد انتخاباتی هاشمی رفسنجانی در

تهران نیز بوده است. (۲۴) پس از این دوران در یک بازه زمانی حدود ۶ ساله، چندان در پست‌های اجرایی شناخته شده برای مردم حاضر نبود. احمدی‌نژاد در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۲ با پیروزی فهرست موسوم به آبادگران در انتخابات دوم شوراهای شهر تهران به عنوان شهردار تهران توسط این شورا انتخاب شد. پس از انتخاب شدن به عنوان شهردار تهران بود که نام او بیش از پیش بر سر زبان‌ها افتاد و فعالیت جدی او برای شرکت در نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری آغاز گردید.

هرچند در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری نهم، احمدی‌نژاد نه چندان شناخته شده برای مردم با یک شخصیت روحانی کاملاً شناخته شده یعنی هاشمی رفسنجانی رقابت می‌کرد، اما بیان برخی شعارهای مردم‌پسند، نه تنها توده مردم که بسیاری از روحانیون صاحب نفوذ را نیز با وی همراه کرده بود. چند روز پس از پیروزی در انتخابات نیز وی در تاریخ ۱۲ تیرماه ۸۴ با مسافرت به قم با مراجع ساکن در این شهر از جمله حضرات آیات فاضل لنکرانی، نوری همدانی، مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، مصباح یزدی، موسوی اردبیلی و شیخ جواد تبریزی دیدار و هدف از این دیدارها را استفاده از رهنمودهای مراجع تقلید عنوان کرد. (۲۵) مصباح یزدی که برخی محافل وی را از حامیان اصلی احمدی‌نژاد می‌دانستند، در جریان این سفر در دیدار با احمدی‌نژاد، از وی به عنوان رئیس جمهور محبوب، مردمی، متعهد و متدین یاد کرد (۲۶). آیت‌اله مکارم شیرازی در دیدار احمدی‌نژاد با بیان اینکه مردم به این علت به شما رأی دادند که یکی از مدافعین ارزش‌ها هستید، تأکید کرد که شهر قم مرکز حوزه علمیه و جهان تشیع است و وضعیت موجود در شأن این شهر نیست. آیت‌اله نوری همدانی نیز در کنار بیان این مطلب که مسأله مقابله با گرانی از شعارهای شما و مطالبات مردم بود، افزود: «به این موقعیتی که برای شما پیش آمده توجه کنید؛ تا با اسلام هستیم مردم با ما هستند. قم یک پایگاه مهم است باید به این پایگاه توجه ویژه کنیم. وضع فعلی در شأن قم نیست، شما بالاتر از قول‌هایی که دادید جا دارد به اسلام عمل کنید و حوزه و مراجع در کنار شما خواهند بود.» (۲۷)

در زمان انتخابات ریاست جمهوری ۸۴، شدت حمایت طلاب و روحانیون جوان از کاندیداتوری احمدی‌نژاد در حد و اندازه ای بود که گفته شده، برخی طلاب که از حمایت مرجع بزرگ آیت‌اله جوادی آملی از کاندیداتوری آیت‌الله هاشمی رفسنجانی ناراضی بودند، به اعلام استاد مسلم فلسفه حوزه قم، اعتراض کردند اما پس از انتخابات، رابطه روحانیون با

بدنه دولت با شکل و جنس دیگری رقم خورد. (۲۸)

۴- تعامل احمدی‌نژاد با روحانیت

رویکرد روحانیت به دولت‌های نهم و دهم آمیخته با انتقاد است و در مقابل، برخورد دولت حکایت از آن داشته که از جانب آن، وقع چندانی به انتقادها گذاشته نمی‌شود. در عین حال، دولت محمود احمدی‌نژاد تلاش کرده تا در ظاهر همواره موضع خود را احترام به علما و روحانیت نشان دهد. از جمله اقدامات احمدی‌نژاد که در دولت‌های پیشین سابقه نداشت، ایجاد پستی جدید در نهاد ریاست جمهوری تحت عنوان «مسئول امور روحانیت ریاست جمهوری» بود. آنچنان که از نام این سمت برمی‌آید، هدف احمدی‌نژاد از ایجاد چنین مسئولیتی تنظیم روابط با روحانیت است و نشان از وقوف وی به تنش‌ها و انتقاداتی دارد که می‌توانست از ناحیه روحانیت متوجه عملکرد وی و اطرافیانش شود. واضح است که احمدی‌نژاد نسبت به تعارض‌های موجود میان تکنوکرات‌هایی مانند خود و نهاد روحانیت در ایران آگاهی داشته و تلاش کرده سازوکاری را برای مقابله و احیانا جلوگیری از افزایش تضادها که می‌تواند عواقب وخیمی برای وی به دنبال داشته باشد، فراهم آورد.

احمدی‌نژاد در دی‌ماه سال ۸۴ محمدناصر سقایی بی‌ریا را به عنوان مشاور خود در امور روحانیت منصوب کرد. در سوابق تحصیلی و کاری وی اشاره شده است که «دارای مدرک دکترای مطالعات فرهنگی از دانشگاه هیوستون در ایالت تگزاس آمریکا و مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه مک گیل کاناداست». وی همچنین عضو هیأت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) و سرپرست مرکز تعلیمات اسلامی و امام جمعه در ایالت تگزاس بوده است. (۲۹) در حکم انتصاب وی، احمدی‌نژاد هدف از تأسیس واحد مشورت ریاست جمهوری با روحانیت را ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی دینی و استفاده از ظرفیت علمی حوزه‌ها در تأمین نیازهای فکری و بنیادین دولت و اجرای برنامه‌های آموزشی و طرح‌های پژوهشی لازم که دولت را در جهت هرچه بیشتر اسلامی شدن فعالیت‌ها کمک کند، اعلام کرده بود. (۳۰) از جمله فعالیت‌های وی تلاش برای تدوین اساسنامه‌ای تحت عنوان «منشور تعامل حوزه و دولت» بود. (۳۱) سقایی بی‌ریا که از شاگردان مصباح یزدی است، چندماه پس از انتصابش، در شرح وظایف خود با تأکید بر اینکه ما معتقدیم که راهنمایی‌های مراجع تقلید می‌تواند دولت را هدایت کند، تصریح کرد: «از آن طرف هم باید فعالیت‌هایی که

انجام شده است، به اطلاع این عزیزان برسد و ما هم بتوانیم از رهنمودهای آن‌ها استفاده کنیم و اگر انتقادی هست، این انتقاد منتقل شود.» سقای بی‌ریا همچنین از برنامه‌ریزی برای برگزاری نشست‌های منظم با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم خبر داد. (۳۲) وی در ماه‌های آغازین دولت دهم، وظیفه خود را مقابله با اخباری دانست که به گفته وی عده‌ای با نیست مخدوش کردن روابط دولت و مراجع رد و بدل می‌کنند. (۳۳) سقای بی‌ریا در اسفندماه ۸۹ از سمت مشاور امور روحانیون ریاست جمهوری استعفا داد و پس از آن، در مصاحبه‌ای سخنانی نیز علیه احمدی‌نژاد و اطرافیان وی به‌ویژه اسفندیار رحیم‌مشایی بر زبان آورد. (۳۴)

پس از وی و بیش از یک سال بعد در خرداد سال ۹۱، محمدرضا میرتاج‌الدینی که سمت معاونت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی را بر عهده داشت، با حفظ سمت، به عنوان مسئول امور روحانیت ریاست جمهوری انتخاب شد. وی در سخنانی تصریح کرد که میان دولت و حوزه‌های علمیه نوعی خلأ به وجود آمده که باید برطرف شده و این ارتباط با رهنمودهای مراجع و بزرگان تقویت گردد. (۳۵)

جدای از فعالیت مرکز امور روحانیت نهاد ریاست جمهوری و تأکید دائم آن بر تلاش برای تقویت روابط دولت و حوزه‌های علمیه، محمود احمدی‌نژاد در تمامی سفرهای عدیده‌ای که به استان‌های کشور داشته، همواره برنامه دیدار به روحانیون و طلاب استان‌ها را در دستور کار قرار داده است، اما عملکردها و رویکردهای احمدی‌نژاد و نزدیکان و منتسبان به وی به گونه‌ای بوده که بسیاری از ناظران و تحلیلگران، آنرا در مسیر دوری از روحانیت ارزیابی کرده‌اند. از جمله مرتضی نبوی، مدیر مسئول روزنامه رسالت در گفت‌وگویی با هفته‌نامه پنجره تصریح کرده است که «جریان انحرافی» که به وسیله برخی حامیان احمدی‌نژاد شکل گرفته، به دنبال «جریان اصولگرایی منهای روحانیت» است و «جریانی است که خود را اصول‌گرا می‌داند، به ولایت آقا امام زمان اعتقاد دارد، لکن به نظر می‌آید که به نقش روحانیت در تاریخ تشیع و در جریان انقلاب خیلی اعتنایی ندارد.» نبوی درباره دیدگاه حامیان احمدی‌نژاد می‌گوید: «این جریان متأسفانه قائل به ولایت فقیه آن‌طور که امام راحل تبیین کرده و ما به آن معتقدیم، نیستند. این‌ها می‌گویند آدم می‌تواند از طریق یک پیرزن بی‌سواد هم ارتباط برقرار کرده و نیازهای دینی خود را تأمین کند و نیازی به روحانیت نیست.» (۳۶)

۵- روحانیون در کابینه‌های احمدی‌نژاد

نگاهی گذرا به تعداد وزرای روحانی در کابینه‌های احمدی‌نژاد و همچنین تغییر و تحولاتی که گریبان وزرای روحانی را گرفت، احتمالاً تصویری واضح‌تر از روابط دولت احمدی‌نژاد و روحانیون به دست خواهد داد.

در دولت نهم، فقط برای دو وزارتخانه کشور و اطلاعات وزرای روحانی معرفی شدند. مصطفی پورمحمدی با ۱۵۳ رأی و غلامحسین محسنی اژه‌ای با ۲۱۷ رأی توانستند رأی اعتماد مجلس را کسب کنند. اما پورمحمدی حدوداً یک سال قبل از پایان دولت نهم از کابینه جدا شد. خود او در گفت‌وگویی که با روزنامه همشهری داشت، گفت که بحث رفتن او از وزارت کشور، اولین بار در مردادماه ۸۵ مطرح و از او خواسته شده که استعفا بدهد که به گفته خودش، نمی‌پذیرد و بنا به توصیه رهبری به رئیس‌جمهور، احمدی‌نژاد قبول می‌کند که پورمحمدی در وزارت کشور بماند. پورمحمدی سپس اشاره می‌کند که دو سال بعد یعنی سال ۸۷ بنا به نظر شخص رئیس‌جمهور از وزارت کشور استعفا داده و شاید، علت برکناری اش نارضایتی احمدی‌نژاد از مخالفت وی با تغییرات وسیع استانداران و فرمانداران بوده است. (۳۷) پس از رفتن پورمحمدی، در کابینه اول احمدی‌نژاد فقط یک وزیر روحانی باقی ماند که البته بقای او در این پست هم چندان به طول نینجامید، چراکه چند روز مانده به پایان دولت نهم، محسنی اژه‌ای هم به وسیله احمدی‌نژاد برکنار شد تا هیچ وزیر روحانی‌ای در کابینه باقی نماند. منابع خبری علت برکنار شدن اژه‌ای را درگیری لفظی با رئیس‌جمهور در جلسه هیأت دولت بر سر معاون اولی مشایبی علیرغم مخالفت رهبری اعلام کردند. (۳۸) اژه‌ای، در مورد عزل خودش از وزارت اطلاعات گفته بود که «ما خودمان هم نفهمیدیم چگونه و چرا ما را کنار گذاشتند». وی گفت: «من پس از برکناری به رئیس دفتر رئیس‌جمهور گفتم ایرادی ندارد، ما به جلسه دولت می‌رویم تا حداقل با دوستانی که چهار سال با هم بودیم، خداحافظی کنیم که ایشان به ما گفتند شما نروید! هرقدر اصرار کردیم اجازه خداحافظی به من ندادند... آنقدر شتاب زده در مورد برکناری وزرا عمل شده بود که حتی به این موضوع هم فکر نکرده بودند که با عزل ما دولت از رسمیت می‌افتد و باید برای ادامه کار دوباره از مجلس رأی اعتماد بگیرد.» (۳۹)

ایرج ندیمی، به عنوان مشاور پارلمانی دولت در گفت‌وگویی علت برکناری اژه‌ای را نوع جلسه‌گردانی هیأت دولت عنوان کرده و اشاره نمود که در برکناری وی از رهبری نیز

نظرخواهی نشده است و اصولاً احمدی‌نژاد در برکناری هیچکدام از وزرا چنین کاری انجام نداده است. (۴۰) در کابینه دوم احمدی‌نژاد نیز صرفاً یکی از وزرا در کسوت روحانیت بود و آن هم حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات بود که شرح قضیه برکناری و ابقای او در دولت دهم در سطور آتی خواهد آمد.

این در حالی است که در کابینه اول سید محمد خاتمی ۵ وزیر روحانی (دری و یونسی در وزارت اطلاعات، نوری و موسوی لاری در وزارت کشور و شوشتری در وزارت دادگستری) و در کابینه دوم او ۳ وزیر روحانی (یونسی در وزارت اطلاعات، موسوی لاری در وزارت کشور و شوشتری در وزارت دادگستری) حضور داشتند. در کابینه اول هاشمی رفسنجانی نیز ۴ وزیر روحانی (محمد خاتمی در وزارت ارشاد، علی فلاحیان در وزارت اطلاعات، اسماعیل شوشتری در وزارت دادگستری، عبدالله نوری در وزارت کشور) و در کابینه دوم او هم ۲ وزیر روحانی (علی فلاحیان در وزارت اطلاعات و اسماعیل شوشتری در وزارت دادگستری) عضو بودند. (۴۱)

با وجود اهمیت کاهش حضور روحانیون در کابینه‌های احمدی‌نژاد، آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد نحوه تعامل و برخورد با وزرای روحانی کابینه است که باعث شد همگی آنها بدون استثنا، طعم تقابل با شخص احمدی‌نژاد را بچشند.

۶- شکل‌گیری نارضایتی روحانیت از احمدی‌نژاد

اولین موضع‌گیری جدی روحانیون در مقابل عملکرد احمدی‌نژاد در قضیه صدور مجوز برای حضور زنان در ورزشگاه‌ها در بهار سال ۸۵ شکل گرفت. به نوشته روزنامه تهران امروز، مرتضی آقاههرانی پس از گذشت بیش از ۵ سال از این تصمیم در جلسه‌ای با اشاره به بخشنامه دولت درباره مجوز حضور زنان در ورزشگاه‌ها گفت که مصباح یزدی مخالف این اقدام دولت بود و به این خاطر از آقاههرانی خواست تا احمدی‌نژاد را از نظر منفی وی مطلع سازد. براساس گفته‌های آقاههرانی، احمدی‌نژاد پس از اطلاع درباره رای مصباح یزدی در این زمینه قول داد که این بخشنامه را امضا نکند، اما ظاهراً رئیس‌جمهور بعد از رفتن آقاههرانی نظرش را تغییر داده و این بخشنامه را امضا می‌کند. آقاههرانی افزود: «پس از این بخشنامه، آیت‌اله مصباح من را خواستند و فرمودند مگر من به شما نگفتم موضوع را به رئیس‌جمهور بگویید و من گفتم که به رئیس‌جمهور گفته‌ام که ایشان به فکر رفتند و فوق‌العاده ناراحت شدند». به نوشته

این روزنامه، پس از این حادثه مصباح یزدی، آقاتهرانی را مأمور می‌کند تا برود و دوباره با احمدی‌نژاد مذاکره کند. آقاتهرانی نیز قبول می‌کند اما شرط می‌گذارد که مصباح فرد دیگری نیز با او روانه دولت کند که در نهایت مشاور رئیس‌جمهور در امور روحانیون همراه آقاتهرانی نزد احمدی‌نژاد می‌روند. (۴۲) محمدناصر سقایی بی‌ریا، مشاور رئیس‌جمهور در امور روحانیون چندماه پس از ابلاغ این بخشنامه با بیان اینکه «شنیده شده بود که آمریکا به بهانه نبودن آزادی، می‌خواسته حملاتی علیه کشورمان انجام دهد و برای رفع این فتنه، دستور ورود زنان به ورزشگاه‌ها صادر شد»، افزود: «نخستین کسی که در این باره اعلام موضع کرد، آیت‌اله مصباح یزدی بود که نامه شدیداللحنی نیز نوشت و توسط بنده و مرتضی آقاتهرانی به رئیس‌جمهور تحویل داده شد که همانجا هم دکتر الهام (وزیر دادگستری و سخنگوی دولت) و هم رئیس‌جمهور گفتند اگر این مسأله مشکل شرعی داشته باشد، متوقف می‌کنیم.» (۴۳)

آیت‌اله نوری همدانی با اشاره به این تصمیم گفته بود که رئیس‌جمهور باید در مسائل فرهنگی و دینی با علما و مراجع مشورت کند تا موازین اسلامی در آن رعایت شود. (۴۴) آیت‌اله فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی هم در فتاوایی با حضور زنان در ورزشگاه‌ها مخالفت کردند. (۴۵) سیداحمد خاتمی، خطیب نماز جمعه تهران هم از احمدی‌نژاد خواست در پی موضع‌گیری مراجع تقلید، در دستور خود مبنی بر ایجاد امکانات برای ورود بانوان به ورزشگاه‌ها تجدیدنظر کند و از بیان سخنان مبهم پرهیزد. (۴۶)

در همان زمان، جواد شمعقدری، مشاور فرهنگی رئیس‌جمهور در واکنش به انتقاد علما از دستور ورود زنان به ورزشگاه‌ها، آنرا اقدامی برای خنثی‌سازی تبلیغات خارجی علیه ایران توصیف کرد و با انتقاد از علما گفت: «چرا به خود اجازه می‌دهید در مورد دولت احمدی‌نژاد که «فرصت طلایی انقلاب» است، «قضاوت زودهنگام» کنید.» (۴۷) در واکنش به این سخنان بود که تعدادی از نمایندگان روحانی مجلس خواستار عذرخواهی رسمی رئیس‌جمهور از نهاد روحانیت و مرجعیت و برکناری چند تن از مشاوران احمدی‌نژاد شدند. (۴۸) احمدی‌نژاد در آبان‌ماه سال ۹۰ در جلسه‌ای گفته بود که بحث بخشنامه ورود زنان به ورزشگاه‌ها با اجازه رهبری بوده، اما با بالا گرفتن اعتراض‌ها، دستور داده شده که این بخشنامه ملغی شود. (۴۹)

به هر حال، اتفاقات و موضع‌گیری‌ها درباره موضوع صدور مجوز ورود زنان به ورزشگاه‌ها را به نوعی می‌توان اولین عرصه جدی تقابل روحانیت با دولت احمدی‌نژاد به حساب آورد که در جریان آن، ایستار ذهنی بسیاری از مردم مبنی بر همراهی دولت نهم و نهاد

روحانیت مخدوش گردید.

۷- دو محور اصلی انتقاد روحانیت از احمدی‌نژاد

انتقادهای روحانیون از عملکرد احمدی‌نژاد بر دو حوزه تمرکز دارد: اول، انتقادهایی است که متوجه رویکردهای رئیس‌جمهور و کابینه او در حوزه‌های مذهبی و ایدئولوژیک است و دوم، انتقاداتی است که از جانب روحانیون در خصوص عملکردهای دولت در عرصه اقتصادی و مدیریتی مطرح می‌شود.

الف) انتقاد از رویکردهای مذهبی و ایدئولوژیک

از جمله انتقادهای دسته اول، اعتراض‌هایی بود که بر سر بحث ورود زنان به ورزشگاه‌ها شکل گرفت و به آن اشاره شد. اما موضوعات جدی دیگری نیز در ایرادهای شرعی روحانیت نسبت به عملکرد احمدی‌نژاد مطرح است و اینگونه احساس می‌شود که علت اصلی بروز این اختلاف نظرها هم، ورود شخص رئیس‌جمهور یا اطرافیان وی به مباحث دینی، عقیدتی و کلامی با تأکید بر درست بودن نظرات خود است که رئیس‌جمهور را در تقابل با روحانیت قرار داده است. از جمله حوزه‌های اعتراض مراجع و روحانیون به عملکرد دولت احمدی‌نژاد، موضعی بود که در مقابل سخنان و کردارهای اسفندیار رحیم‌مشایی به عنوان یکی از نزدیک‌ترین شخصیت‌های نزدیک به احمدی‌نژاد اتخاذ شد. به عنوان نمونه طرح بحث «دوستی با مردم اسرائیل» در سال ۸۷ از جانب وی و یا اجرای مراسمی با عنوان حاملان قرآن در یکی از جلسات سازمان میراث فرهنگی که مشایی ریاست آنرا بر عهده داشت در همان سال و همچنین طرح موضوعاتی مانند «مکتب ایرانی» و همچنین انتصاب او به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور در ابتدای دور دوم ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، انتقاد شدید روحانیت و مراجع را به دنبال داشت.

در شهریورماه ۸۷ رسانه‌ها گزارش دادند که آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله صافی گلپایگانی در قم با یکدیگر دیدار و درباره سخنان مشایی در مورد دوستی با مردم اسرائیل و همچنین بی‌اعتنایی رئیس‌جمهور به تأکیدهای مراجع و علما مبنی بر کنارگذاشتن این شخص از بدنه دولت گفت‌وگو کرده‌اند. همچنین دیداری بین آیت‌الله صافی گلپایگانی و نوری همدانی در این باره برگزار شد. (۵۰) سالک، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز هم در واکنش به

طرح بحث «دوستی با مردم اسرائیل» با بیان اینکه این نوع گفتار برای مردم ایران قابل تحمل نیست، خواستار استعفای مشایی شد. (۵۱) مجمع نمایندگان روحانی مجلس هم برضد سخنان مشایی موضعگیری کرده و اعلام کردند که برخی اظهارات به نام دولت باعث زیر سؤال رفتن جایگاه رئیس جمهور می‌شود. (۵۲) جالب آنکه پس از انتقادهای نسبت به سخنان مشایی و سپس انتصاب وی به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور، سایت شخصی مشایی در واکنش به انتقادهای فراینده از انتخاب او به عنوان معاون اول رئیس‌جمهوری، مخالفان این انتصاب را سهم‌خواه، حسود و یا نادان خواند، وی را گل سرسبد اصولگرایان نامید و تأکید کرد که نظرات وی در مورد دوستی با مردم اسرائیل موضع رسمی دولت بوده است. (۵۳)

اگرچه در اثر فشارهای ایجاد شده، احمدی‌نژاد ناچار شد مشایی را از پست معاون اول رئیس‌جمهور کنار بگذارد، اما تأخیر یک هفته‌ای وی در اجرای دستور رهبری مبنی بر برکناری مشایی که در نهایت به رسانه‌ای شدن نامه رهبری به احمدی‌نژاد منجر شد و همچنین انتصاب مشایی به عنوان رئیس دفتر رئیس‌جمهور، حکایت از آن داشت که احمدی‌نژاد همچنان بر نادرستی نگاه‌ها به او و قضیه مشایی و درستی نظرات خود و همکاری‌اش تأکید دارد و حاضر نیست در مقابل سیل انتقاداتی که عمدتاً هم از جانب روحانیت شکل می‌گرفت، کوتاه بیاید.

پس از آن بود که طرح بحث «مکتب ایرانی» از سوی اسفندیار رحیم‌مشایی باز هم اعتراض شدید روحانیون را در پی داشت. محمد یزدی، رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان اینکه برخی قصد دارند میان روحانیت دو دستگی و اختلاف ایجاد کنند، حتی به مراجع عظام نیز چشم طمع دارند، افزود: «کسانی که رسماً به مراجع توهین می‌کنند و درباره موسیقی اظهارنظر می‌نمایند، ما می‌دانیم مقصودشان چیست، ما می‌دانیم که چرا شورای ایرانیان مقیم خارج را راه انداختند، چون می‌خواستند مکتب ایرانی درست کرده و آن را در مقابل مکتب اسلامی علم کنند.» وی همچنین تصریح کرد: «برخی آن قدر بی‌سواد هستند که می‌گویند پیامبر ایرانی بوده، چون قریش همان کوروش است، پس پیامبر ایرانی است. ما نمی‌دانیم اصلاً قریش چه ربطی به کوروش دارد؟» (۵۴)

با وجود طرح چنین انتقادهایی، احمدی‌نژاد همچنان تأکید داشت که سخنان مشایی، نظر اوست و انتقادهای مطرح‌شده عادی نیست. او در جلسه‌ای با تأکید بر اینکه «من هم گفته‌ام ایران یک مکتب است، یک فرهنگ متعالی و فراتر از جغرافیا و نژاد» تصریح کرد: «آقای مشایی رئیس دفتر رئیس‌جمهور هستند و به ایشان اعتماد کامل دارم و او را فردی مؤمن به

اصول نظام جمهوری اسلامی ایران، ارزش‌ها و آرمان انقلاب و ملت بزرگ ایران و در خط ولایت می‌شناسم.» وی در پاسخ به موج انتقادات گفت: «حساسیتی که روی آقای مشایی وجود دارد عادی نیست و غیرعادی است، زیرا هرچقدر هم توضیح می‌دهد، آن را قبول نمی‌کنند و صرفاً برداشت اولیه خود را به عنوان مخالفت مطرح می‌سازند و این روش خوبی برای مدیریت فضای اندیشه در کشور نیست.» (۵۵)

آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی امام جمعه مشهد نیز در همایش سالانه «روحانیت، راهبرد‌ها و تعاملات فرهنگی» با بیان اینکه مردم به روحانیت علاقه دارند و گفته‌های مشایی در خصوص روحانیت را بی‌اساس و دانست و اذعان داشت که اگر قرار باشد تعاملی صورت پذیرد تعامل باید همه‌جانبه باشد وی در خصوص رشد یک جریان انحرافی نیز هشدار داد و مسئولین را به تعامل فراخواند. (۵۶)

اما مهم‌تر از موضوعات مورد مناقشه‌ای که در حوزه انتقادات شرعی و مذهبی به آنها اشاره شد، بحثی است که برخی از آن تحت عنوان «موعودگرایی» احمدی‌نژاد و برخی اطرافیان او از آن یاد کردند؛ موضوعی که به شدت مورد انتقاد روحانیت قرار گرفت. سخنانی که رئیس‌جمهور درباره موضوعاتی مانند آخرالزمان، ظهور منجی، امدادهای غیبی و... مطرح کرد، سخنانی بود که فضای میان روحانیون و دولت را بیش از پیش غبارآلود نمود.

به عنوان نمونه، احمدی‌نژاد در یکی از سخنرانی‌های خود که در جمع روحانیون استان خراسان جنوبی انجام شد، با تأکید بر اینکه توسل و تمسک به حضرت بقیه‌الله حلقه مفقوده کارهای فرهنگی است، گفت: «دست‌اندرکاران امور فرهنگی باید رسیدن به نقطه هدف و فراهم کردن شرایط ظهور منجی را در دستور کار قرار دهند.» وی همچنین درباره سخنرانی که در جریان سفر به نیویورک در دانشگاه کلمبیا داشت، اینگونه القا کرد که امدادهای الهی به او در پاسخگویی به سؤالات آن جلسه یاری رسانده است. او تصریح کرد: «خدای متعال اراده کرده است که صورت قدرت‌ها را به خاک بمالد.» احمدی‌نژاد با بیان اینکه «خدا به دست خودشان زمینه شکستشان را فراهم کرد» افزود: «خداوند در آن صحنه از یک طرف همه بدی‌ها و ادعاهای دشمنان و از سوی دیگر زیبایی‌ها و ویژگی‌های ملت ایران را جلوی بشریت قرار داد.» (۵۷) وی همچنین چند روز بعد از این سخنرانی، در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با اشاره به حضورش در دانشگاه کلمبیا گفت: «بنده وقتی در آنجا حضور داشتم، یقین داشتم که با فضای مسمومی که آنان در دانشگاه ایجاد کرده‌اند، مولایم خواهد آمد و صحنه را

اداره خواهد کرد.» (۵۸)

همچنین طرح بحث رؤیت هاله نور در جریان سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل از سوی محمود احمدی‌نژاد، موضوعی بود که با وجود انتقادهایی که نسبت به او در این مورد مطرح شد، به شدت مورد تأکید وی قرار داشت و حتی منتقدین از جانب او مورد شماتت قرار گرفتند (۵۹). در کنار این مباحث، گهگاه خبرهایی از نزدیکان دولت نیز منتشر می‌شد که شنیدن آنها عجیب می‌نمود، از جمله اینکه شخصی به نام مجید دوستعلی که به عنوان دبیر هیأت دولت در سال ۸۶ معرفی شده، در اظهاراتی مدعی شده بود که دوران احمدی‌نژاد، دوران ظهور صغری است! (۶۰)

به هر حال، روحانیون به سخنان احمدی‌نژاد و نزدیکان او در این حوزه‌ها واکنش نشان دادند. پس از آنکه اواخر سال ۸۹ فیلم مستندی تحت عنوان «ظهور نزدیک است» به طور گسترده در سراسر کشور پخش شد و در آن تطبیق‌هایی میان شخصیت‌های آخرالزمانی و برخی مقامات بلندپایه کشور انجام شده و در محافل مذهبی و رسانه‌ای نیز تولید و انتشار آن به نزدیکان رئیس‌جمهور نسبت داده می‌شد، آیت‌اله خامنه‌ای در تیرماه ۹۰ در سخنانی با اشاره به بحث مهدویت و علائم ظهور تأکید کرد: «در طول تاریخ مدعیانی بودند؛ بعضی از مدعیان هم یک علامتی را بر خودشان یا بر یک کسی تطبیق کردند؛ همه اینها غلط است. بعضی از این چیزهایی که راجع به علائم ظهور هست، قطعی نیست؛ چیزهایی است که در روایات معتبر قابل استناد هم نیامده است؛ روایات ضعیف است، نمی‌شود به آنها استناد کرد. آن مواردی هم که قابل استناد هست، اینجور نیست که بشود راحت تطبیق کرد... اینها غلط است، اینها کارهای منحرف‌کننده است، کارهای غلط‌انداز است. وقتی انحراف و غلط به وجود آمد، آن وقت حقیقت، مهجور خواهد شد، مشتبه خواهد شد، وسیله گمراهی اذهان مردم فراهم خواهد شد؛ لذا از کار عوامانه، از تسلیم شدن در مقابل شایعات عامیانه بایستی بشدت پرهیز کرد. کار عالمانه، قوی، متکی به مدرک و سند، که البته کار اهل فن این کار است، این هم کار هر کسی نیست، باید اهل فن باشد، اهل حدیث باشد، اهل رجالی باشد، سند را بشناسد، اهل تفکر فلسفی باشد؛ بدانند، حقایقی را بشناسد، آن وقت می‌تواند در این زمینه وارد میدان شود و کار تحقیقاتی انجام دهد.» (۶۱)

آیت‌اله محمدرضا مهدوی کنی پیش از آن در اردیبهشت‌ماه ۸۸ در سخنانی با اشاره به سخنان رئیس‌جمهور درباره کمک امام زمان به مدیریت کشور، تأکید کرد: «نباید آقای

احمدی‌نژاد این سخنان را بگوید؛ چون دید مردم را هم نسبت به امام زمان بد می‌کند. اگر مدیریت از امام زمان (عج) بود، یعنی ایشان نمی‌توانند مافیا را از بین ببرند؟ برنج کیلو پنج هزار تومانی هم از مدیریت ایشان است؟ امام خمینی با آن همه عظمت، یک بار هم چنین سخنانی درباره رابطه با امام زمان و .. مطرح نکردند.» (۶۲) آیت‌اله امامی کاشانی هم در خطبه‌های نماز جمعه تهران ضمن اشاره تلویحی به بیان برخی مطالب درباره امام زمان، با بیان اینکه از دعا‌های حضرت ولیعصر (عج) غنا و ثروت فقرای امت است و حل این مشکلات با صدقه نمی‌شود، بلکه نیازمند سرمایه‌گذاری و تولید است، تأکید کرد: «در صورتی که کسی سرمایه داشت، اما برای تولید سرمایه‌گذاری نکرد، منتظر امام زمان نیست، اگر قوه مجریه در این راستا مشکل تراشی کرد، منتظر امام زمان نیست، در صورتی که مجلس قوانین را تسهیل نکرد، منتظر امام زمان نیست.» (۶۳) حسن روحانی هم در نشست مواضع دولت در بحث مذکور را مورد انتقاد قرار داده و ضمن تأکید بر لزوم تکیه بر خویشن و تلاش برای علم و پیشرفت، تصریح کرد: «ما می‌توانیم روی پای خودمان بایستیم، نمی‌شود دست روی دست گذاشت و گفت که کشور، کشور امام زمان (عج) است. یعنی چه؟! اگر کار کردیم، لطف خدا و فیض و رحمت الهی و لطف ولی عصر هم هست؛ چرا باید بار مسئولیت خودمان را به دوش این و آن بیاندازیم و چرا بار مسئولیت را روی دوش امام زمان (عج) می‌اندازیم.» (۶۴)

آیت‌اله مصباح یزدی نیز که زمانی از اصلی‌ترین حامیان احمدی‌نژاد بود، در دیداری به صراحت از مطرح شدن تعبیری چون «امام زمان (عج) خود جامعه را اداره می‌کند» انتقاد کرد. وی با بیان اینکه این سخن به این معنی است که اگر خود ولی عصر (عج) جامعه را اداره می‌کنند، نیازی به واسطه و نائب نیست، افزود: «در این جریان، آهسته آهسته شعارهای اسلامی کم‌رنگ می‌شود، ارزش‌های اسلامی جای خود را به ارزش‌های فردی و نام‌اسلام جای خود را به ایران می‌دهد؛ هرچند هم بگویند ایشان منظورشان فلان بوده و شفاف هستند.» واضح است که اشاره اخیر مصباح یزدی به شخص اسفندیار رحیم‌مشایی و حمایت‌های احمدی‌نژاد از اوست. مصباح سپس به صراحت به دوری روحانیت از دولت احمدی‌نژاد اشاره کرده و تصریح می‌کند: «آنچه باعث روی کار آمدن این دولت شد، شعارهایی بود که در سی سال پس از انقلاب مطرح می‌شد، ولی بعدها مسائلی ظاهر شد که قابل توجیه منطقی، برهان و شرع نبود؛ اینکه به گونه‌ای رفتار شود که رهبری، مراجع، علما و مردم متدین را از خود ناراضی کنید و کاری کنید که صمیمی‌ترین دوستان نیز با شما به مخالفت بپردازند، توجیهی ندارد.» (۶۵) آخرین واکنش

تند علما نسبت به اظهارات احمدی نژاد مربوط به فوت هوگوچاوز می‌شود که احمدی نژاد وی را از یاران امام زمان خوانده و ادعا کرده است که با ظهور امام دوازدهم شیعیان به دنیا باز خواهد گشت، این سخنان احمدی نژاد واکنش تند علما را به دنبال داشته است و محمد تقی، احمد خاتمی، مصباح یزدی، محسن قرائتی و جمعی دیگر از روحانیات به شدت از وی انتقاد کرده اند. برای مثال محسن قرائتی رئیس ستاد نماز کشور گفته است که «شما چکاره هستید که این حرفها را بزنید و یا احمد خاتمی در سخنان خود این گونه بیان کرده است که به «صراحت می گویم آنچه ایشان گفت زیاده روی بود و بنده ورود به مباحث اعتقادی در این پیام را درست نمی دانم» و انتقاداتی از این قبیل حاکی از اختلافات روحانیت با وی را دارد. (۶۶)

مورد دیگر مراسم استقبال از نوروز باشد که ۲ مرجع تقلید آیت اله صافی گلپایگانی و مکارم شیرازی رقص مناطق مختلف در حضور رئیس جمهور را به باد انتقاد گرفته اند و از روحانیون خواسته اند در مقابل منکرات سکوت نکنند. (۶۷)

اختلاف برخی روحانیون حامی احمدی نژاد از دولت وی نیز فاصله وی با روحانیت را نشان می‌دهد برای مثال می توانیم به انتقادات پورمحمدی وزیر سابق کشور در کابینه احمدی نژاد اشاره کنیم وی در مصاحبه خود به مواردی زیادی در خصوص اختلاف خود با احمدی نژاد اشاره کرد از جمله به اعمال نظر ها در خصوص معاونت اول وزارت کشور، تخلفات صورت گرفته در انتخابات و مسائلی از این قبیل که نشان از مشکلات وی با رئیس جمهور داشت که شاید برخی از مشکلات وی به فاصله وی از کابینه و مسائل روحانیت برمی گردد، وی همچنین از مدیریت و تصمیمات کوتاه مدت احمدی نژاد در خصوص عزل وزراء انتقاد کرده است. (۶۸)

احمدی نژاد در اقدامی دیگر در تاجیکستان و در جمع ایرانیان مقیم این کشور شاهنامه فردوسی را «توحید نامه» خواند و گفته بود فردوسی «مکتب پیامبر اسلام را نجات داده است» و همچنین کوروش پادشاه هخامنشی را «جوان ایرانی عدالت طلب و آزادی خواه» معرفی کرده بود.

آیت اله مکارم شیرازی با انقاد از سخنان وی، احمدی نژاد را متهم به مبارزه با روحانیت و کم رنگ کردن نقش آن اعلام کرده به گفته وی هدف دیگر این نوع اظهارات «قرار دادن مکتب ایرانی در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران است تا ما را از دیگر کشور های اسلامی جدا سازد. (۶۹)

ب) انتقاد از عملکرد اقتصادی دولت

ایرادهای روحانیون به عملکرد کابینه‌های احمدی‌نژاد در حوزه اقتصادی و به‌ویژه افزایش تورم و گرانی، بخش وسیعی از عرصه نارضایتی روحانیت از دولت را به خود اختصاص می‌دهد، چراکه تورم معمولاً کم‌درآمدترین قشر جامعه را بیش از دیگران تحت تأثیر قرار می‌دهد و این قشر هم به طور سنتی، روحانیون و بالخصوص مراجع را اصلی‌ترین پناهگاه خود برای بیان شکایاتشان می‌دانند. به همین علت، شاید بتوان انتقاد روحانیت از ضعف اقتصادی دولت را رایج‌تر و بیشتر از انتقادهای آنان از رویکردهای مذهبی و ایدئولوژیک دولت دانست.

اشاره به تمامی اعتراض‌هایی که از جانب علما درباره گرانی و تورم و فشار اقتصادی بر مردم نسبت به دولت احمدی‌نژاد مطرح شده، از حوصله این نوشتار خارج است، اما برای نمونه و با هدف آشنایی با کیفیت این انتقادات و تأثیری که بر ایجاد فاصله میان روحانیت و دولت احمدی‌نژاد داشته است، به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. از جمله اینکه پس از آنکه دولت نهم در مقطعی تأکید داشت که نرخ‌های تورم بالایی که اعلام می‌شود با هدف تخریب دولت است و توطئه‌هایی است برای بدنام کردن دولت، آیت‌اله عبدالله جوادی آملی در سخنانی با بیان اینکه حرکت کردن در بیراهه ما را به حقیقت نمی‌رساند، تصریح می‌کند که متأسفانه گرانی و تورم در جامعه وجود دارد و اگر عوامل آن‌ها خلاف رفتند، باید بدانند که این راه خلاف، راه نیست. (۷۰) از لحن این انتقاد به ظاهر اقتصادی، نوعی انتقاد تلویحی از کتمان حقیقت و ناراست‌گویی توسط دولت درباره تورم نیز برداشت می‌شود. آیت‌اله مکارم شیرازی سال ۸۶ در انتقاد از وضعیت گرانی در جامعه، با بیان اینکه گرانی در جامعه غوغا می‌کند، تأکید می‌کند که بارها در مورد وضعیت گرانی تذکر دادیم و مسؤولان می‌بایست اقدام کنند. وی همچنین خاطر نشان می‌کند مسؤولانی که توانایی ندارند، نباید مسؤولیت بپذیرند. (۷۱)

آیت‌اله مهدوی کنی نیز با گذشت ۳ سال از عمر دولت نهم، در واکنش به دولت که بحث مشکلات اقتصادی را توطئه دیگران می‌دانست، تأکید داشت که نباید مشکلات را به گردن دیگران انداخته یا فرافکنی کنیم. وی همچنین با اشاره به دیداری که با احمدی‌نژاد داشته، افزود: «بنده در این دیدار به آقای احمدی‌نژاد گفتم که روحانیت را ابزار فرض نکنید، ما وعظ یا سلاطین گذشته نیستیم و نباید از ما توقع مداحی داشته باشید.» (۷۲)

آیت‌اله موسوی اردبیلی هم، همزمان با سخنان مهدوی کنی، تصریح کرد که گرانی اخیر، احساسی و شعاری نیست بلکه یک واقعیت همه فهم است و اگر در گذشته عده‌ای گرانی را

می‌فهمیدند، امروز همه افشار جامعه آنرا لمس می‌کنند. (۷۳)

این موضع‌گیری علما و روحانیون همانگونه که اشاره شد، نه فقط انتقاد از عملکرد اقتصادی دولت که در حقیقت، انتقاد از انتقادناپذیری دولت، هیچ انگاشتن نظر روحانیون و مراجع و اصرار دولت بر درست بودن مسیر پیموده شده بود. این در حالی بود که دقیقا در همان ایام، احمدی‌نژاد همچنان بر مواضع خود مبنی بر اینکه مشکلات اقتصادی، عمدتا ناشی از فشارهای خارجی و کارشکنی‌های داخلی است، تأکید می‌کرد. او در جمع روحانیون در مدرسه فیضیه قم تأکید کرد: «برخی از این مشکلات ناشی از تصمیم‌گیری و بد عمل کردن است و بخش مهم آن به خاطر فشار دشمن و شرایط جهانی است. قیمت‌های جهانی در سال گذشته، رشد سرسام‌آوری داشته است که برخی از این بحران جهانی، در داخل کشور تأثیر گذاشت. ضمن اینکه مدام عناصری با برنامه‌های اقتصادی دولت به بهانه‌های مختلف مقابله می‌کنند.» (۷۴)

این انتقادات در سال پایانی دولت دهم و به واسطه افزایش فزاینده قیمت‌ها که دولت و شخص محمود احمدی‌نژاد علت آنرا افزایش تحریم‌های خارجی می‌داند، مضاعف شده و اکثریت قریب به اتفاق روحانیون، مشکل اصلی را متوجه عملکرد دولت می‌دانند. روحانیون عالی‌رتبه و مراجع از عواقب افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها احساس خطر کردند و آیت‌اله صافی گلپایگانی در اواخر تابستان ۹۱ تأکید کرد که اگر گرانی و تورم متوقف شود، اعتماد مردم به نظام اسلامی بیشتر خواهد شد و در غیر این صورت با مشکلات بیشتری در آینده مواجه خواهیم شد. (۷۵) وی چند روز بعد هم نگرانی خود از وارد آمدن ضربه به وجه روحانیت در اثر عملکرد نامناسب دولت را بیان کرد و گفت: «وظیفه روحانیت در شرایط کنونی بسیار سنگین است به ویژه آنکه برخی مردم وجود مشکلات از جمله مشکلات اقتصادی را از ناحیه روحانیت می‌بینند که این مسأله ناراحت‌کننده است.» (۷۶)

چند روز پس از آن، ابراهیم امینی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و امام جمعه این شهر با بیان اینکه متأسفانه گرانی موجود در کشور ما بی‌حساب بوده و گاهی از صد درصد هم بیشتر است، گفت: «مردم به مراجع عظام و علما می‌گویند که چرا در این خصوص اظهار نظر نمی‌کنید و به همین دلیل مراجع و علما حرف‌های مردم را در جامعه منعکس می‌کنند، اما متأسفانه کار به جایی رسیده که حرف این بزرگان در مسؤولان مربوطه اثر ندارد و این مسأله آدم را مأیوس می‌کند.» (۷۷) وی در اواخر آبان ماه نیز در نماز جمعه قم با بیان اینکه

با انکار تورم و گرانی و یا مشکلات را به گردن دیگران انداختن و جوسازی‌ها نمی‌شود این مشکلات را حل کرد، گفت: «متأسفانه بیشتر مسؤولان کشور تخصصی در اقتصاد ندارند و باید در کارشناسان امر اقتصادی مشاوره کنند.» (۷۸) انتقاد روحانیون از عملکرد اقتصادی دولت، به مراجع و روحانیت قم محدود نشد و در سراسر کشور، روحانیون در نمازهای جمعه، علت اصلی مشکلات اقتصادی مردم را بی‌تدبیری دولت دانستند. (۷۹)

۸- تقابل با رهبری

محمود احمدی‌نژاد بارها در سخنرانی‌های خود، نهاد ولایت فقیه را ستوده، از آن تمجید کرده و خود را مدافع ولایت فقیه معرفی کرده است. (۸۰) اما چند اتفاق عمده در دوران ریاست‌جمهوری وی، این ذهنیت را نزد بسیاری ناظران ایجاد کرد که احمدی‌نژاد در مقابل رهبری، تا آخرین لحظات از تلاش برای به کرسی نشاندن تصمیم خود دست نمی‌کشد.

اولین رویداد، وقایع پس از انتخاب اسفندیار رحیم‌مشایی به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور پس از پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۸۸ بود. با توجه به چهره‌ای که از مشایی در جامعه و به‌ویژه نزد روحانیون به خاطر مواضع و سخنان وی ایجاد شده بود - و در این نوشتار به برخی از آنها اشاره کردیم - بلافاصله پس از انتخاب وی به عنوان معاون اول، موج اعتراض‌ها و مخالفت‌ها با این انتصاب آغاز گردید، تا جایی که رهبری در تاریخ ۲۷ تیر ۸۸ در نامه‌ای خطاب به احمدی‌نژاد بر کنار گذاشتن مشایی از این سمت تأکید کرد. (۸۱) خبرگزاری‌ها در همین روز ۲۷ تیرماه حکم انتصاب مشایی به سمت معاون اولی را منتشر کرده بودند. (۸۲) اما پس از گذشت ۶ روز از ابلاغ دستور رهبری و تنها پس از آنکه صدا و سیما متن نامه رهبری را پخش کرد و پس از آن، مشایی نامه استعفای خود را خطاب به احمدی‌نژاد نوشت، پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری متن نامه احمدی‌نژاد به رهبری با مضمون برکناری مشایی را منتشر کرد که در آن آمده بود: «سلام علیکم، ضمن ارسال رونوشت نامه کناره‌گیری مورخ ۸۸.۵.۲ آقای مهندس اسفندیار رحیم‌مشایی از معاونت اولی به استحضار می‌رساند که مرقومه مورخ ۸۸.۴.۲۷ حضرت‌عالی به استناد اصل ۷۵ قانون اساسی اجرا شد. ایام عزت مستدام.» (۸۳)

جدای از تأخیر شش روزه احمدی‌نژاد در تمکین به دستور رهبری و همچنین لحن پاسخ وی، پاسخی که احمدی‌نژاد به نامه استعفای مشایی داده بود نیز جالب توجه بود. در بخشی از

این نامه تأکید شده بود: «با تقدیر فراوان از بزرگواری و پذیرش مسؤلیت معاونت اولی که علیرغم میل شخصی جنابعالی و با اصرار اینجانب انجام شد، مجدداً تأکید می‌نمایم که شما را انسانی خود ساخته، مؤمن و دلباخته حضرت ولی عصر (عج) و با تعهدی عمیق و آگاهانه به خط نورانی ولایت و مبانی جدی اسلامی و خدمتگزاری توانمند و صدیق به ملت الهی و عزیز ایران می‌شناسم.» احمدی‌نژاد چند روز پس از آن هم در واکنش به انتقادهای فراوانی که صورت می‌گرفت، گفت: «در روزهای اخیر عده‌ای با خیال خام خود به تکاپو افتادند تا رابطه دولت و رهبر عزیز انقلاب را خدشه دار جلوه دهند و با جار و جنجال، جدایی و فاصله بین دولت و رهبری را القاء کنند، در حالی که آنان نمی‌دانند که نوع رابطه ما با مقام معظم رهبری فراتر از قالب‌های سیاسی و اداری است و از جنس محبت، اعتقادی و پدر و پسری است.» (۸۴) مجتبی ذوالنور، جانشین وقت نماینده ولی فقیه در سپاه به این سخن احمدی‌نژاد هم واکنش نشان داد و گفت که برداشت احمدی‌نژاد از رابطه پدر و فرزند با رهبری اشتباه است و این رابطه، رابطه امام و مأمومی است. (۸۵) وی همچنین در تندترین سخنرانی خود در مشهد گفت که آقای احمدی‌نژاد با طناب پوسیده آقای مشایی دارد، ایشان از ارادت ویژه‌ای به مشایی دارند و گفته اند مشایی قله است و درک مشایی در خصوص مسائل بسیار بالاست، جانشین نمایندگی رهبری در سپاه پس مشایی را مورد انتقاد قرار داده و اعلام کرد «این آدم‌ها در عمق وجودشان سرسوزنی به ولایت و روحانیت اعتقاد ندارند. در سخنان دیگری حجت الاسلام سعدی نماینده ولایت فقیه در سپاه در گفت و گویی در خبرگزاری فارس هشدارهای روشنی برای احمدی‌نژاد ارسال کرد و محبوبیت احمدی‌نژاد در جامع را مرهون پشتیبانی رهبری دانست. (۸۶)

دومین رویدادی که حکایت از بروز اختلاف نظر میان احمدی‌نژاد و رهبری داشت، موضوع برکناری حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات بود. ۲۸ فروردین ۹۰ پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری اعلام کرد که حیدر مصلحی، وزیر اطلاعات استعفا داده و رئیس جمهور هم استعفای او را پذیرفته است. اما ساعاتی بعد خبرگزاری‌های فارس و ایسنا و مهر خبر دادند که رهبری با استعفای مصلحی مخالفت کرده و لذا وی در سمت خود ابقا شده است. البته برخی گزارش‌ها حاکی از این بود که مصلحی استعفا نداده، بلکه برکنار شده است، از جمله محسنی اژه‌ای، وزیر سابق اطلاعات از واژه برکناری در ماجرای مصلحی استفاده کرد و گفت: «حقیقتاً نحوه عملکرد در برکناری وزیر اطلاعات توجیه‌پذیر نیست.» کیهان نیز نارضایتی احمدی‌نژاد از برکناری یکی از معاونان وزارت اطلاعات بدون اطلاع وی را دلیل برکناری مصلحی اعلام

کرده بود. به هر حال، احمدی‌نژاد در برابر حکم حکومتی رهبری سکوت پیشه و خانه‌نشینی اختیار کرد که ۱۱ روز به طول انجامید. تعلل رئیس‌جمهور در پذیرش فوری دستور رهبری با وجود انتشار متن نامه وی به وزیر اطلاعات، به همراه قهر و خانه‌نشینی احمدی‌نژاد موضوع تبعیت از ولایت فقیه را مطرح کرد و نهایتاً احمدی‌نژاد پس از ۱۱ روز خانه‌نشینی ترجیح داد به جلسه هیأت دولت بازگردد. (۸۷)

رئیس‌جمهور در این جلسه با اشاره به اینکه بحث تبعیت از ولایت فقیه به بهانه غیبت چند روزه وی مطرح شده است، گفت: «عده‌ای در خارج با مکاری و تزویر و عده‌ای جاهل و بعضاً مغرض هم در داخل جشن و پایکوبی به راه انداختند که البته قصد پاسخگویی به آنها را ندارم؛ دولت حاضر، تنها دولتی است که همه اعضای آن بر موضوع ولایت فقیه متفق‌القول هستند و میثاق بسته‌اند تا از آن تبعیت کنند.» وی تصریح کرد: «البته دورکاری و خانه‌نشینی چند روزه دلایلی دارد که این دلایل را در دل خود نگه می‌دارم، چون بسیاری از حرف‌ها باید در دل انسان باقی بماند.» (۸۸)

در آن زمان، محمدتقی رهبر، رئیس فراکسیون روحانیون مجلس تأکید کرده بود که «مردم رای خود را از کسی که از ولایت فقیه اطلاعات نکند، پس می‌گیرند و از او پشتیبانی نخواهند کرد.» وی همچنین گفت که هیچ‌کس در این نظام جز با پذیرش ولایت، مشروعیت ندارد. کاظم صدیقی، خطیب جمعه تهران هم تصریح کرده بود که «یقیناً وزرای کابینه دولت دهم قبل از آنکه وزیر دولتی باشند، تحت ولایت مطلقه رهبر جمهوری اسلامی قرار دارند.» سیداحمد خاتمی، عضو مجلس خبرگان رهبری هم گفته بود که نپذیرفتن امر رهبری، زاویه گرفتن از ولایت‌مداری است و زاویه داشتن تابلو نمی‌خواهد. (۸۹)

حضور نیافتن احمدی‌نژاد در مراسم عزاداری بیت رهبری به مناسبت ایام شهادت امام حسین (ع) در آذرماه ۹۱ با توجه به اینکه دقیقاً پس از موضوع لغو سؤال مجلس از رئیس‌جمهور به دستور رهبری اتفاق افتاد، موضوع دیگری بود که بحث تقابل احمدی‌نژاد با رهبری را پیش کشید. پایگاه‌های خبری متعددی با اشاره به این موضوع، خاطر نشان کردند که احمدی‌نژاد در جریان خانه‌نشینی ۱۱ روزه در سال ۹۰ هم در مراسم عزاداری بیت رهبری به مناسبت ایام فاطمیه شرکت کرد، اما در ۵ شب عزاداری محرم سال ۹۱ غایب بوده است. (۹۰) اتفاقاً در روز عاشورای ۹۱، محمود احمدی‌نژاد به صورت سرزده به قم رفته بود، اما پایگاه خبری پارسینه نوشت که در جریان این سفر، خبری از دیدار با مراجع نیز نبوده است، در حالی

که مقامات در سفر به قم، معمولاً به دیدار مراجع می‌روند. این پایگاه خبری با اشاره به سفر اواخر سال ۸۹ احمدی‌نژاد به قم نیز به نقل از آیت‌اله غروی تصریح کرد: «برخی مراجع اجازه ملاقات به رئیس‌جمهور ندادند، تا جایی که من خبر دارم در این خصوص واسطه‌های قوی نیز وجود داشت که برخی از آنها از علمای قوی و بلندمرتبه قم بودند، این‌ها با مراجع تماس گرفتند و برخی هم حضوراً تشریف بردند ولی این مراجع گفتند خیر. چراکه نقطه نظرانی را مطرح کردند ولی از سوی دولت عمل نشد.» و البته موضوع نپذیرفتن هدیه احمدی‌نژاد از سوی طلاب در خردادماه سال ۹۰ را نیز مطرح کرد و از قول یکی از طلاب، علت را «هتک حرمت علما و مراجع عالیقدر و سابقین انقلاب و یاران امام(ره) و بیت شریف حضرت امام در دوره آقای احمدی‌نژاد» دانست. (۹۱)

در عین حال، احمدی‌نژاد در تاریخ ۱۵ آذرماه ۹۱ یعنی یک حدوداً یک هفته پس از حضور نیافتنش در بیت رهبری، در همایشی که با عنوان «قوه مجریه در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» برگزار شد، تصریح کرد: «برخی خیال می‌کنند هنوز زمان قاجار است که استبداد حاکم است، ملت مبارزه کرده‌اند و کشته داده‌اند و مجلسی پیدا کرده‌اند و همه حقوق مردم در مجلس متبلور است. نه خیر، جایگاه مجلس بسیار رفیع است، اما دستاوردهای ملت در انقلاب اسلامی فقط مجلس نیست. شخص رئیس‌جمهور را مردم مستقیماً انتخاب می‌کنند. حتی رهبری را به واسطه انتخاب می‌کنند، اول خبرگان رهبری، بعد رهبر. این طور نیست که فکر کنید مردم فقط یک پناهگاه دارند و یک جا هست که متعلق به مردم است و بقیه متعلق به دوره قاجار استبدادی هستند! این اندیشه باید بیرون برود. ۳۳ سال است که انقلاب شده، ملت حاکم است و ملت باید حاکم شود.» (۹۲)

اشاره تلویحی احمدی‌نژاد به برتری شیوه انتخاب رئیس‌جمهور بر رهبر، در کنار انتقاد مستقیم از مجلس در این سخنرانی در حالی بیان شد که پیش از آن، برخی محافل خبری مدعی شده بودند دستور رهبری در اول آذرماه ۹۱ مبنی بر توقف طرح سؤال از رئیس‌جمهور در مجلس، نه با هدف حمایت از دولت، بلکه در راستای «تلاش برای خارج نشدن مناقشات سیاسی از کنترل نظام بوده» و رئیس‌جمهور نیز از این موضوع اطلاع داشته است. (۹۳)

در کنار این مسائل، برخورد احمدی‌نژاد با صادق آملی‌لاریجانی، رئیس قوه قضائیه به عنوان نماینده رهبری در جریان نامه‌نگاری انجام شده بر سر درخواست بازدید از زندان اوین و سپس نامه‌ای که احمدی‌نژاد خطاب به رهبری نوشت و در آن به کنایه بر صحت نظرات

خود تأکید کرد نیز قابل تأمل است. (۹۴)

نتیجه‌گیری

دوران ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد برهه‌ای مهم از روند کشمکش قدرت میان گروه نخبگان جدیدالورود به صحنه سیاسی و نهاد روحانیت در ایران است. آنچه در جمهوری اسلامی به‌ویژه در دوران پس از جنگ با عراق به وضوح مشاهده می‌شود، این است که تضادهای طبقه متوسط جدید با روحانیت حاکم بر کشور روز به روز آشکارتر شده و در برهه‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون نوعی تناقض فکری، روشی و ماهوی میان آنان شکل گرفته است.

نخبگان دیوانسالار جدید در ایران متأثر از اقتضائات وجودی خود، در مقاطع مختلف با ایستارهای ذهنی و عملی روحانیت حاکم احساس تضاد کرده و تلاش کرده‌اند تا سازوکارهای منطبق بر خواسته‌های خود را اجرایی کنند. در این میان، آنچه تأثیرگذارترین عامل برای تداوم این تضاد به حساب می‌آید، تأکید و اصرار بر درستی عقاید و افکار خود است. واقعیت این است که طبقه متوسط جدید امروزه در کل جهان بهترین حافظان جامعه مدنی و کارآمدترین نیروها در اداره کشور قلمداد می‌شوند، اما تکنوکرات‌های تازه به قدرت رسیده در ایران هرچند تفکراتی غیرمذهبی یا مذهبی، جمع‌گرا یا فردگرا، غربگرا یا ضدغربی، سنت‌گرا و تجددخواه و .. داشته باشند، اما عمدتاً بر تفکر خود پای فشرده و آقایی و اربابی طبقه متوسط قدیم را تحمل نمی‌کنند، خاصه آنکه وارد عرصه سیاست هم شده باشند و در مسیر پیشینه‌سازی قدرت نیز حرکت کنند.

تنش‌ها و تقابلهای به وجود آمده میان دولت محمود احمدی‌نژاد و روحانیت، نتیجه به وجود آمدن چنین فضایی است که باعث شده با افزایش فاصله میان روحانیون و دولت و نادیده گرفتن خواسته‌های روحانیت از جانب دولت، میزان تأثیرگذاری روحانیون بر عملکردهای دستگاه اجرایی کشور کاهش یابد. بدیهی است که تقلیل نفوذ روحانیون بر امور حاکمیتی، نارضایتی فزاینده آنها را به دنبال داشته باشد و برخی روحانیون عالی‌رتبه حتی هدف احمدی‌نژاد را القاء ناکارآمدی روحانیت در اداره جمهوری اسلامی بدانند. (۹۵)

کتابنامه

بنگرید به: آنتونی گیدنز، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳؛ کیت نش، *جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن - سیاست - قدرت*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰

Ray Takeyh, A Profile in Defiance: Being Mahmoud Ahmadinejad, The National Interest, No. 83, 2006, pp. 16-21

علی دارابی، *رفتار انتخاباتی در ایران*، چاپ پنجم، تهران، سروش، ۱۳۸۹، صص ۱۹۲-۱۹۱.

ایروینگ ام. زیتلین و دیگران، *آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی*، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۳، صص ۱۰۳-۱۰۱؛ حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴، صص ۷۳-۷۲

علیرضا ازغندی، *ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب*، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶، ص ۱۶

علیرضا ازغندی، *مکتب نخبه‌گرایی و بانیان آن*، مجله سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۲، ص ۷۲۴

برای نمونه بنگرید به: سخنان احمدی‌نژاد در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما در آدرس اینترنتی <http://www.youtube.com/watch?v=6p0H83ftwP4> این برنامه در قالب تبلیغات نامزدهای نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۴ ساماندهی شده بود. احمدی‌نژاد در این برنامه با تأکید بر اینکه مشکل اصلی جامعه مدل موی جوانان نیست، اهمیت این بحث را کاملاً زیر سؤال می‌برد. اما در جای دیگر درباره همین حجاب مطرح می‌کند که برای حل مشکل حجاب در جامعه با برخی علما نیز مشورت کرده است. بنگرید به: «سخنان متفاوت احمدی‌نژاد درباره حجاب» در آدرس اینترنتی

<http://www.aftabnews.ir/vdcmxqsi2bqpx8.ala2.html>

برای نمونه بنگرید به: اظهارنظرهای متناقض درباره پرونده‌های قضایی اکبر گنجی و

علی‌اکبر جوانفکر در آدرس اینترنتی <http://www.asriran.com/fa/print/237859>
 بنگرید به: علیرضا ازغندی، چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری
 اسلامی ایران، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۹، صص ۱۳۱-۱۳۰
 محمود سریع‌القلم، عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران، تهران، نشر فرزاد، ۱۳۹۰، ص ۱۰۸
 گراهام فولر، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ
 سوم، ۱۳۸۷، ص ۲۱
 علیرضا ازغندی، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، پیشین، صص ۱۶۶-
 ۱۶۵

Marvin Zonis, The Political Elite of Iran, New Jersey, Princeton University Press, 1976.

بنگرید به مناظره تلویزیونی احمدی‌نژاد و کروبی در آدرس اینترنتی
<http://www.youtube.com/watch?v=ISUvwGVz3os&feature=related>
 بنگرید به متن خبر در آدرس اینترنتی <http://www.khabaronline.ir/detail/150987/>
 James A. Bill, The Politics of Iran: Groups, Classes and Modernization,
 Columbus, Charles E. Merrill, 1972

«اتهام احمدی نژاد علیه دولت‌های پیشین در مناظره بین میرحسین موسوی و احمدی
 نژاد عنوان شد»، روزنامه اعتماد، ۱۶ خرداد ۸۸، صفحه ۴
 علیرضا ازغندی، پیشین، ص ۱۳۲
 بنگرید به متن نامه در آدرس اینترنتی <http://www.aftabnews.ir/vdci3yat13azq.html>
 «رفتار احمدی نژاد متأثر از ویژگی‌های ذاتی او و برنامه ریزی شده است»، روزنامه
 شرق، ۱۲ اردیبهشت ۹۱، صفحه سیاست،
 «خصوصیات مثبت و منفی دولت احمدی نژاد (گفت و گو با حجت‌الاسلام و المسلمین
 الله مهدی طائب)»، جهان نیوز، جمعه ۹ فروردین ۹۲.

- Anoushiravan Ehteshami & Mahjoob Zweiri, Iran and the Rise of its
 Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution, London, I. B. Tauris,
 2007, pp. 51-55

«زندگی‌نامه نامزدها: محمود احمدی‌نژاد»، پایگاه اطلاع‌رسانی بی‌بی‌سی
http://www.bbc.co.uk/persian/iran/2009/05/090521_ag_bd_ir88_ahmadinejad.shtml
 بنگرید به متن خبر «روایت حامیان مشایی از ارادت توکلی به هاشمی و خاتمی!» در
 آدرس <http://www.fardanews.com/fa/pages/?cid=106531>

- «دکتر احمدی نژاد با مراجع عظام تقلید در قم دیدار کرد»، خبرگزاری مهر، ۸۴/۰۴/۱۲
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsTextOnlyVersion.aspx?NewsID=202395>
- «دولت عدالتخواه گامهای بلندی در جهت رفاه و سعادت ملت ایران برخواهد داشت»،
 خبرگزاری مهر، ۸۴/۰۴/۱۲
<http://wndww.mehrnews.com/fa/NewsTextOnlyVersion.aspx?NewsID=202531>
- «توصیه مراجع به دکتر احمدی نژاد: مبارزه با گرانی و تبعیض، فقرزدایی و عدالت»،
 خبرگزاری مهر، ۸۴/۰۴/۱۲
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=202669>
- «بررسی ۸ سال رابطه روحانیون با دولت احمدی نژاد»، همشهری ۲شنبه، ۱۸ دی.
 بیوگرافی محمدناصر سقایی بی‌ریا در پایگاه اینترنتی «جبهه پایداری انقلاب اسلامی» به
 آدرس <http://jebhepaydari.ir/main/index.php?Page=definition&UID=250493>
- «مشاور رئیس جمهور در امور روحانیت منصوب شد»، خبرگزاری مهر، ۱۲ دی ۸۴
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=273105>
- «منشور تعامل حوزه و دولت تدوین شد»، خبرگزاری مهر، ۲ اردیبهشت ۸۶
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=473829>
- «نشست‌های منظم مشاور رئیس‌جمهور با جامعه مدرسین»، خبرگزاری ایسنا، ۱۶
 اردیبهشت ۸۵
- «در دولت دهم عهده دار نقش رابط بین دولت و حوزه هستم»، خبرگزاری مهر، ۱۵ مهر
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=960678> ۸۸
- بنگرید به سرفصل‌های مصاحبه سقایی بی‌ریا با روزنامه قدس که در تاریخ ۱۷ شهریور
 ۹۰ در پایگاه اینترنتی جهان با تیتراژ «مشایی گفت در حالتی معنوی، یقین کردم خواست امام
 زمان، آوردن اسلام افراط در مناسباتهاست» و به آدرس
<http://www.jahannews.com/vdcgxn9qzak97w4.rpra.html> انتشار یافت. سقایی بی‌ریا در
 این مصاحبه از آنچه «جریان انحرافی» در دولت خوانده می‌شود، سخن گفته است.
- «مشاور رئیس‌جمهور در امور روحانیون: به دنبال تقویت ارتباط دولت با حوزه و
 مراجع هستیم»، خبرگزاری حوزه، ۴ مهر ۹۱
<http://www.hawzahnews.com/includes/newsprint.aspx?id=302079&sid=6&pid=1973>
- «مرتضی نبوی: حامیان احمدی‌نژاد مروج اسلام منهای روحانیت هستند»، پایگاه اینترنتی
 آفتاب، ۱۸ تیر ۸۹ <http://www.aftabnews.ir/vdcigraz5t1auv2.cbct.html>

«از من خواستند استعفا بدهم»، گفت وگو با مصطفی پورمحمدی، پایگاه اینترنتی همشهری آنلاین، ۲۶ خرداد ۸۷ <http://www.hamshahrionline.ir/details/54956>

«اژه‌ای هم برکنار شد»، پایگاه خبری تابناک، ۴ مرداد ۸۸

<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=57153>

«اژه‌ای: خودمان هم نفهمیدیم چطور ما را کنار گذاشتند»، پایگاه اینترنتی رادیو فردا، ۲

اردیبهشت ۹۰

http://www.radiofarda.com/content/f3_ejhii_criticize_ahmadinejad_on_minsit_er_of_intelligence_dismissing/9501486.html

«برکناری اژه‌ای بدون هماهنگی با رهبری بود»، پایگاه اینترنتی خبرآنلاین، ۸ مرداد ۸۸

<http://www.khabaronline.ir/detail/13637/>

دایره‌المعارف اینترنتی ویکی‌پدیا فارسی به آدرس fa.wikipedia.org

«روایتی از پیام آیت‌اله مصباح برای احمدی‌نژاد»، روزنامه تهران امروز، ۲۷ بهمن ۱۳۹۰،

صفحه ۳

«دستور ورود زنان به ورزشگاه از زبان مشاور روحانیون احمدی‌نژاد»، پایگاه اینترنتی

بازتاب، ۵ تیرماه ۱۳۸۵

«در مسائل فرهنگی موازین اسلامی باید رعایت شود»، خبرگزاری مهر، ۹ اردیبهشت ۸۵

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=317974>

بنگرید به: <http://www.aftabnews.ir/vdcg7n9t.ak9nn4prra.html>

«خطیب موقت نماز جمعه تهران: رئیس جمهور در دستورشان تجدیدنظر کنند»،

خبرگزاری ایسنا، ۹ اردیبهشت ۸۵

«انتقاد مشاور رئیس جمهور از مخالفت علما با دستور احمدی‌نژاد»، خبرنگار گویا، ۸

اردیبهشت ۸۵ <http://news.gooya.com/politics/archives/047229.php>

«اعتراض روحانیت مجلس به احمدی‌نژاد»، روزنامه شرق، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۵، صفحه

۷

«ورود زنان به ورزشگاه با نظر رهبری بود»، پایگاه اینترنتی جهان، ۱۵ آبان ۹۰

<http://www.jahannews.com/vdcf0mdyiw6d11a.igiw.html>

«دیدار مهم حضرات آیات صافی گلپایگانی و نوری همدانی»، خبرگزاری مهر، ۲۳

شهریور ۸۷ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=748493>

«جامعه روحانیت مبارز خواستار استعفا هر چه سریعتر رحیم مشایی شد»، خبرگزاری

مهر، ۳۰ مرداد ۸۷ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=735325>

« روحانیون مجلس اظهارات مشایی و هتاک‌ها به مراجع را محکوم کردند»، خبرگزاری مهر، ۱۷ شهریور ۸۷ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=745529>
 « مشایی گل سبد اصولگرایان است / دوست داشتن مردم اسرائیل موضع دولت بود»، خبرگزاری مهر، ۳۱ تیر ۸۸

<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=916197>

« عده‌ای مکتب ایرانی ایجاد کردند تا در مقابل اسلام علم کنند»، خبرگزاری مهر، ۶ دی ۸۹ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1218925>

« ایران یک مکتب است / به مشایی اعتماد کامل دارم»، خبرگزاری مهر، ۲۰ مرداد ۸۹ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1132128>

« مشایی: دوران روحانیت تمام شده است»، خبر حوزه، یکشنبه ۸ خرداد ۹۰.
 « دست اندرکاران امور فرهنگی فراهم کردن شرایط ظهور منجی را در دستور کار قرار دهند»، روزنامه ابرار، ۱۹ آبان ۸۶

<http://abrarnews.com/politic/1386/860819/html/rooydad.htm#s211530>

« به زودی وقت اصلاحات در دانشگاه آزاد فرا می‌رسد»، روزنامه ابرار، ۲۲ آبان ۸۶ <http://abrarnews.com/politic/1386/860822/html/rooydad.htm#s212571>

بنگرید به: «امام خمینی، سیاست‌مدار یا حقیقت‌مدار؟»، پایگاه اینترنتی یادداشت‌های شخصی محمود احمدی‌نژاد، ۲۲ خرداد ۸۷

« هوادار افراطی و دوران ظهور صغرای مهدی موعود!»، پایگاه اینترنتی فردا، ۲۱ اسفند ۸۶

<http://www.fardanews.com/fa/print/47957>

<http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=12889>

بابک داد، تغییر به سبک احمدی‌نژاد، خبرنگار گویا، ۱۸ اردیبهشت ۸۸ <http://news.gooya.eu/politics/archives/2009/05/087281print.php>

«مسئولان فضای تولید را تسهیل نکنند منتظر امام زمان (عج) نیستند»، خبرگزاری مهر، ۱۶ تیر ۹۱ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1643265>

«روحانی: کشور، کشور امام زمان است، یعنی چه؟! / عنایت امام زمان بر سر مردم ماست»، پایگاه خبری انتخاب، ۱۶ خرداد ۸۷

« هشدار آیت‌الله مصباح یزدی: مواظب باشیم سید علی محمد باب دیگری ظهور نکند»، پایگاه اینترنتی خبرآنلاین، ۲۱ اردیبهشت ۹۰ <http://www.khabaronline.ir/detail/150292/>

«چاوز محور تازه انتقاد روحانیون از احمدی‌نژاد» وبلاگ، ۱۸ اسفند ۱۳۹۱

- «دو مرجع تقلید سکوت در مقابل اقدامات احمدی نژاد را جایز ندانستند»، **bbc** فارسی، ۲۳ اسفند ۱۳۹۱.
- «پورمحمدی: در انتخابات ۸۸ تقلب نشد تخلف شد»، شهر خبر، ۱۹ اسفند ۱۳۹۱.
- بنگرید به <http://ndw.de/14Tnv> 2012/3/28
- «تورم و گرانی وجود دارد»، روزنامه ابرار، ۹ اردیبهشت ۸۷
<http://abrarnews.com/politic/1387/870209/html/rooydad.htm#s256635>
- «گرانی در جامعه غوغا می‌کند»، روزنامه ابرار، ۱۷ آذر ۸۶
<http://abrarnews.com/politic/1386/860917/html/rooydad.htm#s220092>
- «به احمدی نژاد گفتم روحانیت را ابزار فرض نکنید»، روزنامه ابرار، ۳۱ فروردین ۸۷
<http://abrarnews.com/politic/1387/870131/html/rooydad.htm#s>
- «گرانی اخیر احساسی و شعاری نیست»، روزنامه ابرار، ۳۱ فروردین ۸۷
<http://abrarnews.com/politic/1387/870131/html/rooydad.htm#s>
- «تورم را یک رقمی خواهیم کرد»، روزنامه ابرار، ۳۱ فروردین ۸۷
<http://abrarnews.com/politic/1387/870131/html/rooydad.htm#s>
- «هیچکس حق تخطی از قانون را ندارد/ گرانی در جامعه متوقف شود»، خبرگزاری مهر، ۳۰ شهریور ۹۱
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1700857>
- «مشکلات اقتصادی و اجتماعی ما به دلیل عمل نکردن به اسلام است»، خبرگزاری مهر، ۱۳ مهر ۹۱
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1711971>
- «گرانی مردم را به ستوه آورده است/ انتقاد از دولتمردان»، خبرگزاری مهر، ۹ مهر ۹۱
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1708936>
- «تورم و گرانی با انکار و جوسازی حل نمی‌شود/ انتقاد از پرونده سازی»، خبرگزاری مهر، ۱۹ آبان ۹۱
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1739274>
- بنگرید به: «اٹمه جمعه در واکنش به احمدی نژاد: مشکل تحریم نیست؛ بی‌تدبیری است»، خبرگزاری مهر، ۱۴ مهرماه ۹۱
<http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=1712702>
- مجموعه‌ای از سخنان احمدی نژاد درباره ولایت فقیه را می‌توانید در آدرس زیر ببینید:
<http://rajanews.com/detail.asp?id=85929>
- «نامه رهبر معظم انقلاب به رئیس جمهور در مورد آقای مشایی»، پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌اله خامنه‌ای، ۲۷ تیر ۸۸
<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=7495>

برای نمونه بنگرید به: «متن حکم انتصاب مشایی به سمت معاون اول رئیس جمهور» در خبرگزاری فارس به تاریخ ۲۷ تیر ۸۸ در آدرس
<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8804270095>

« نامه رئیس جمهور به رهبر معظم انقلاب در باره کناره گیری مشایی»، خبرگزاری مهر، ۳ مرداد ۸۸ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=917717>
 « رابطه ما و رهبر انقلاب رابطه پدر و پسری است»، خبرگزاری مهر، ۹ مرداد ۸۸ <http://www.mehrnews.com/fa/NewsPrint.aspx?NewsID=921365>

«تذکر صریح ذوالنور به احمدی نژاد: رابطه با رهبر انقلاب باید رابطه امام و مأموم باشد نه پدر و فرزند»، پایگاه اینترنتی خبرآنلاین، ۱۳ اردیبهشت ۹۰
<http://www.khabaronline.ir/news-148399.aspx>

« هشدار سپاه و روحانیون به احمدی نژاد»، یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰
www.roozonline.com

«احمدی نژاد و ولایت فقیه»، روزنامه خراسان، ویژه‌نامه نوروز ۹۱، تاریخ انتشار ۹۰/۱۲/۲۵

«رئیس جمهور: دولت تا آخر پای پرچم ولایت فقیه ایستاده است هرگز به دشمنان اجازه نخواهیم داد از برخی مسائل داخل کشور سوءاستفاده کنند»، خبرگزاری ایسنا، ۱۱ اردیبهشت ۹۰

«حملات تند روحانیون اصولگرا علیه محمود احمدی نژاد»، پایگاه اینترنتی مردمک، ۱۷ اردیبهشت ۹۰
<http://www.mardomak.net/story/61905>

برای نمونه بنگرید به <http://hezbollahnews.com/vdcf.td1iw6djvgiaw.html>

- <http://www.parsine.com/fa/print/69558>

- <http://president.ir/fa/43689>

بنگرید به خبر «تفاوت این حکم حکومتی با حمایت‌های پیشین رهبر انقلاب از دولت احمدی نژاد» در پایگاه خبری بازتاب امروز، ۸ آذر ۹۱

- متن نامه احمدی نژاد به آملی لاریجانی را می‌توانید در آدرس <http://fararu.com/fa/print/130164> و متن نامه احمدی نژاد به رهبری را در آدرس <http://www.khabaronline.ir/detail/255298/politics/government> مشاهده نمایید.

بنگرید به: «هاشمی: همه هدف احمدی نژاد القاء ناکارآمدی روحانیت در اداره جمهوری اسلامی بود/ حقایق دیر یا زود روشن خواهد شد»، پایگاه اطلاع‌رسانی هاشمی رفسنجانی، ۱۴ آذر ۸۹
<http://hashemirafsanjani.ir/fa/node/193756>

- ازغندی، علیرضا، چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۹
- ازغندی، علیرضا، مکتب‌نخبه‌گرایی و بنیان آن، مجله سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۴
- ازغندی، علیرضا، ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶
- بشیریه، حسین، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴
- دارابی، علی، رفتار انتخاباتی در ایران، تهران، سروش، ۱۳۸۹
- زیتلین، ایروینگ ام. و دیگران، آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی، ترجمه غلام‌عباس توسلی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۳
- سریع‌القلم، محمود، عقلا نیت و توسعه یافتگی ایران، تهران، نشر فرزانه، چاپ اول، ۱۳۹۰
- فولر، گراهام، قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز، چاپ سوم، ۱۳۸۷
- گیدنز، آنتونی، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳
- نش، کیت، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن - سیاست - قدرت، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۰
- Bill, James A., *The Politics of Iran: Groups, Classes and Modernization*, Columbus, Charles E. Merrill, 1972
- Ehteshami, Anoushiravan & Mahjoob Zweiri, *Iran and the Rise of its Neoconservatives: The Politics of Tehran's Silent Revolution*, London, I. B. Tauris, 2007
- Takeyh, Ray, *A Profile in Defiance: Being Mahmoud Ahmadinejad*, *The National Interest*, No. 83, 2006
- Zonis, Marvin, *The Political Elite of Iran*, New Jersey, Princeton University Press, 1976